

در این شماره:

گزارش مجمع عمومی سالیانه کانون
قند پارسی در سرزمین هند
جشنواره ایرانی
و مطالب متنوع دیگر...

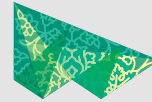
فصلنامه رسمی کانون ایرانیان ویکتوریا - شماره ۲۰۵ - دسامبر ۲۰۲۵ - آذر ۱۴۰۴

Official Quarterly Magazine of The Iranian Society of Victoria - ISSN: 2981-9474 - Issue 205 - December 2025

کتابخانه



فصلنامه گلبانگ، خبرنامه داخلی کانون ایرانیان ویکتوریا بوده و به عنوان یکی از کانال‌های رسمی ارتباطی این نهاد با اعضا تلقی می‌گردد.



AISOV
Australian Iranian
Society of Victoria
کانون ایرانیان ویکتوریا

شورای سردبیری:

فرهنگ و هنر: دکتر سونیا اصفهانی

تاریخ: دکتر فرهاد ملکی

دانش: دکتر میترا زرانی

گزارش و سرگرمی: عصمت امیراحمدی و هورا زارع

هماهنگی: عصمت امیراحمدی

عکاس: سیامک داوودی‌نژاد

طراح گرافیک و نشر دیجیتال: ایمان برآبادی

@Artymel.design

همکاران این شماره هیات تحریریه:

علی شاملو، محمد باغکی، محمدرضا سبحانی،

علیرضا موسوی، فرشید کاظمیان، و افروز

رحیمیان.

ضمن ارج نهادن به آزادی عقاید، از درج مطالب

ارسالی بدون نام و نشان معذوریم. درج مطالب

رسیده دلیل بر تأیید آنها نمی‌باشد.

حق انتخاب، ویرایش و چاپ مطالب برای هیأت

تحریریه و در نهایت هیأت مدیره کانون محفوظ

می‌باشد.

نشانی دفتر کانون:

Level 1, 79 Mahoney's Road

Forest Hill VIC 3131

0468 460 698

info@aisov.org.au

www.aisov.org.au

فهرست

- ۳ سخنی با شما
- ۴ گزارش مجمع عمومی سالیانه کانون ایرانیان ویکتوریا ۹ نوامبر ۲۰۲۵
- ۶ گزارش جشنواره ایرانی ۲۳ نوامبر ۲۰۲۵
- ۸ ورکشاپ فضای دیجیتال
- ۹ منشور کوروش کبیر، نخستین سند حقوق بشر جهان
- ۱۰ قند پارسی در سرزمین هند
- ۱۴ فرگشت؛ داستان شگفت‌انگیز دگرگونی زندگی
- ۱۵ کارگاه موسیقی کودکان
- ۱۶ پروین، فروغ و سیمین
- ۲۰ گشایش انجمن فرهنگی کابورا در ملبورن
- ۲۲ مصاحبه با محمدرضا سبحانی، نویسنده مجموعه شعر بنام "کلافگی"
- ۲۶ برنامه «زندگی در استرالیا» همکاری کانون ایرانیان ویکتوریا و سازمان MIC
- ۲۷ شب یلدا
- ۲۸ تغذیه و سلامت روان در دوران مهاجرت
- ۳۱ فرصت طلایی تبلیغات در نشریه
- ۳۲ فرمت ارسال مقالات
- ۳۴ نظرسنجی

کانون ایرانیان ویکتوریا برای انتشار شماره بعدی نشریه اینترنتی گلبانگ مقاله می‌پذیرد. از تمامی فارسی زبانان مقیم ایالت ویکتوریا استرالیا که در این زمینه یادداشت، جستار، نقد و عکس دارند دعوت می‌کند تا مطالب خود را برای درج در نشریه گلبانگ به آدرس ایمیل ذیل ارسال کنند.

golbang@aisov.org.au

مطالب دریافت و تأیید شده توسط شورای سردبیری گلبانگ تا تاریخ ۳۱/۰۱/۲۰۲۶ در شماره آتی گلبانگ منتشر می‌شوند. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد مجله گلبانگ به وبسایت کانون ایرانیان ویکتوریا مراجعه فرمایید:

www.aisov.org.au

منابع مقالات منتشر شده در دفتر مجله موجود می‌باشد.



سخنی با شما



نقاش: عفی دستیار
@mentative_art

الهام بدل شده است. پذیرش یکدیگر و احترام به تفاوت‌ها، بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت چند فرهنگی ملبورن است. اما این تفاوت‌ها تنها به فرهنگ محدود نمی‌شوند؛ بلکه طیف گسترده‌ای از تنوع‌ها را در بر می‌گیرند: تفاوت‌های فردی در نگرش و شخصیت، تفاوت‌های حرفه‌ای در مهارت‌ها و تجربه‌ها، تفاوت‌های قومی و زبانی، و هزاران تفاوت دیگر که هر یک از ما را منحصر به فرد می‌سازند.

در واقع، احترام گذاشتن به یکدیگر و پذیرش این تفاوت‌ها در تمام ابعاد آن است که دنیا را جایی زیباتر، امن‌تر و انسانی‌تر برای زندگی خودمان و عزیزانمان می‌سازد. وقتی یاد می‌گیریم که تفاوت را نه تهدید، بلکه فرصتی برای یادگیری و رشد ببینیم، آن وقت است که جامعه‌ای می‌سازیم که در آن همه می‌توانند بدرخشند و به بهترین نسخه خود تبدیل شوند.

و این همان رسالتی است که کانون ایرانیان ویکتوریا بر دوش می‌کشد: ایجاد فضایی که در آن تفاوت‌ها جشن گرفته شوند، صداها شنیده شوند، و هر فردی، صرف‌نظر از پیشینه‌اش، احساس تعلق و ارزشمندی کند. ما معتقدیم که وقتی جامعه‌ای بر پایه احترام و پذیرش بنا شود، هیچ مانعی نمی‌تواند از شکوفایی استعدادها و رشد جمعی جلوگیری کند.

همچنین اگر تمایل دارید در فعالیت‌های داوطلبانه و خدمت به جامعه ایرانی-استرالیایی همراه ما باشید، با کمال میل پذیرای حضورتان هستیم. لطفاً از طریق ایمیل info@aisov.org.au با ما در تماس باشید.

با احترام و سپاس،
عصمت امیراحمدی

و انگیزه بیشتری مسیر پیش روی کانون را هموار کند. امید که این دوره، دوره‌ای پربار و پرتحرک برای همه ما باشد.

همچنین حضور کانون در جشنواره "پرشن فر" و معرفی تازه‌ترین شماره‌های مجله گلبانگ با استقبال گرم و چشمگیر جامعه روبه‌رو شد. این تجربه دلگرم‌کننده نشان داد که پیوند میان فعالیت‌های فرهنگی کانون و نیازهای جامعه فارسی‌زبان هر روز عمیق‌تر و معنادارتر می‌شود. دیدن علاقه‌مندان به ادبیات، هنر و فرهنگ ایران در کنار هم، تصویری امیدبخش از آینده فعالیت‌های فرهنگی گروه گلبانگ ترسیم کرد.

در ادامه همین مسیر، **محفلی ماهانه گلبانگ** به‌زودی آغاز خواهد شد؛ دوره‌ای صمیمی برای گفت‌وگوهای فرهنگی، ادبی و هنری در کنار گروه سردبیری، همکاران و علاقه‌مندان. این محفل فرصتی خواهد بود برای دیدار، تبادل تجربه و زنده نگه داشتن ضرب آهنگ پویای فرهنگ فارسی در میان جامعه ایرانیان ویکتوریا.

نقاشی هارمونی: در این اثر، هنرمند زندگی در ملبورن را از دریچه تنوع فرهنگی به تصویر کشیده است؛ شهری که در آن مردم با پیشینه‌های قومی، زبانی و فرهنگی گوناگون در آرامش و احترام متقابل کنار هم زندگی می‌کنند. رنگ‌ها، تناسب‌ها و خطوط این اثر به شکلی هماهنگ در کنار هم نشست‌اند که تفاوت‌ها نه تنها پذیرفته می‌شوند، بلکه بخشی از زیبایی مشترک و هویت جمعی به حساب می‌آیند.

تنوع فرهنگی بر پایه احترام و همزیستی استوار شده و به منبعی برای غنا، قدرت و

در سه ماه اخیر، کانون ایرانیان ویکتوریا گام‌های بلندی در مسیر خدمت‌رسانی به جامعه فارسی‌زبان برداشته است. با رشد روزافزون جمعیت ایرانیان مقیم ویکتوریا، نیاز به برنامه‌های هدفمند و کاربردی بیش از پیش احساس می‌شود؛ برنامه‌هایی که نه تنها پاسخگوی دغدغه‌های واقعی هموطنان باشند، بلکه جایگاه کانون را به‌عنوان یک نهاد مردمی، فرهنگی و اجتماعی مستقل و فعال تثبیت کنند.

در این دوره، همکاری کانون با سازمان MIC وارد فصل تازه‌ای شده است. نخستین ثمره این همکاری، برگزاری دوره پنج جلسه‌ای "زندگی در استرالیا" بود که به‌صورت آنلاین و به زبان فارسی اجرا و با استقبال قابل توجهی روبه‌رو شد.

در ادامه، "کارگاه مهارت‌های دیجیتال" در سه جلسه حضوری و ویژه بانوان فارسی‌زبان در دفتر کانون برگزار شد. این کارگاه فضایی امن، صمیمی و کاربردی فراهم آورد تا شرکت‌کنندگان با مهارت‌هایی آشنا شوند که امروزه در زندگی روزمره نقشی بنیادین دارند. از دیگر اقدامات مهم این دوره، آغاز مکاتبات رسمی با سازمان AMES (خدمات آموزش زبان بزرگسالان مهاجر) برای برگزاری کلاس‌های رایگان زبان انگلیسی ویژه فارسی‌زبانان است. این طرح در مراحل پایانی هماهنگی قرار دارد.

در ماه گذشته، انتخابات هیأت‌مدیره کانون نیز با مشارکت فعال اعضا برگزار شد. ترکیب هیأت‌مدیره که از افرادی با سابقه فعالیت‌های داوطلبانه و تجربه‌های ارزشمند اجتماعی تشکیل شده، می‌تواند با انسجام

گزارش مجمع عمومی سالیانه کانون ایرانیان ویکتوریا ۹ نوامبر ۲۰۲۵

گردآورنده: هورا زارع



کانون در نشست رهبران چندفرهنگی پارلمان ویکتوریا، شرکت در کارگاه سلامت روان شورای جوامع قومی ویکتوریا، نشست تجاری با همکاری شهرداری بریمینک برای معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری به کسب‌وکارهای ایرانی، جلسات پی‌درپی با دولت و نمایندگان پارلمان برای حمایت از دانشجویان ایرانی، و نیز اجرای برنامه زندگی در استرالیا با همکاری مرکز اطلاعات مهاجران سخن گفت.

خانم زارع سپس به نقش کانون در دوران ۱۲ روزه بحران ایران-اسرائیل پرداخت:

- ◆ هماهنگی با خدمات حمایتی، دریافت پیام‌های همراهی از نمایندگان دولت
- ◆ برگزاری مراسم صلح و همبستگی با همکاری شبکه ملی ایران عفو بین الملل
- ◆ گفت‌وگو با دانشجویان و پاسخ به نیازهای احساسی و اجتماعی جامعه

او همچنین گزارشی از میزان تماس‌ها و درخواست‌های کمک از طریق خط تلفن کانون ارائه کرد، از موضوعات خانواده و سلامت روان گرفته تا اشتغال، سالمندی، مسکن و ارتباط رسانه‌ها برای گفت‌وگو درباره رویدادهای منطقه.

فعالیت‌های رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی

هورا ادامه داد که صفحه اینستاگرام کانون در سال گذشته رشد قابل توجهی داشت و در جریان جشن چهارشنبه‌سوری به ۲۶۰ هزار بازدید رسید. فیس‌بوک کانون نیز با دو صفحه و یک گروه فعال، حالا ۱۲,۹۰۰ عضو دارد.

او از چهار ستون مأموریت کانون گفت و سپس نمونه‌هایی

از فعالیت‌ها را مرور کرد. از جمله جشن بزرگ چهارشنبه‌سوری با بیش از ده‌هزار شرکت‌کننده، برنامه صبحانه خیریه، دیدار با دانش‌آموزان کلاس زبان فارسی در مدرسه فرهنگی فارسی‌زبانان ملبورن دانکستر، حضور در بازارچه و نمایشگاه ایرانی و همچنین دیدار با مرکز بازنشستگان ایرانی که با استقبال بسیار گرم برگزار شد.

او همچنین به مشارکت کانون در رونمایی از اپلیکیشن بانو توپیا اشاره کرد؛ پلتفرمی نوآورانه برای توانمندسازی زنان مهاجر که بخش مهمی از تمرکز کانون بر همبستگی اجتماعی را بازتاب می‌دهد.

2

Develop Networks and Referral Systems

حوزه ۲: شناخت نیازها و حمایت از جامعه

سپس خانم هورا زارع از اعضا هیئت مدیره کانون، بخشی از فعالیت‌هایی را که با هدف حمایت مستقیم از جامعه ایرانی و پاسخ‌گویی به نیازهای آنان اجرا شده بود، ارائه کرد. او تأکید کرد آنچه بیان می‌کند تنها گوشه‌ای از حجم بزرگ فعالیت‌هاست. ایشان از حضور

مجمع عمومی سالیانه کانون ایرانیان ویکتوریا روز نهم نوامبر در فضایی صمیمی و پرشور برگزار شد. جلسه با ریاست خانم افروز رحیمیان آغاز شد. او ابتدا به پاسداشت مالکین سنتی این سرزمین ادای احترام کرد و سپس صورتجلسه سال گذشته با رای حضار تأیید و تصویب شد.

مرور فعالیت‌ها و گزارش سالانه

خانم رحیمیان با مروری بر چشم‌انداز کانون، توضیح داد که بخش زیادی از جزئیات فعالیت‌ها، پیش‌تر در گزارش سالانه منتشر و در وبسایت کانون در دسترس قرار گرفته است؛ بنابراین در جلسه تمرکز بر نکات کلیدی هر حوزه بود.

1

Building Solidarity and Community Connection

حوزه ۱: ایجاد همبستگی و احترام متقابل

خانم رحیمیان در ادامه به فعالیت‌هایی پرداخت که طی سال گذشته با هدف تقویت پیوندهای اجتماعی جامعه ایرانی انجام شد.





خانم‌ها افروز رحیمیان، هورا زارع لواسانی، لیلا زیودار، عصمت امیراحمدی و آقای کامبیز رزم‌آرا تیمی پرانرژی و هماهنگ که با انگیزه‌ای تازه آماده ادامه مسیر است.

جلسه با پرسش‌ها، پیشنهادات و تبادل نظر حضار به پایان رسید و کمیته مدیریت کانون این پیشنهادات را در برنامه‌ریزی سال آینده مورد بررسی قرار خواهد داد.

در آخر در فضایی صمیمی با چای عصرانه، شیرینی‌های ایرانی و گفت‌وگوهای دوستانه مجمع به پایان رسید؛ لحظه‌هایی که بار دیگر نشان داد نقش کانون در پیوند دادن جامعه ایرانی چقدر ارزشمند است.

از شما عزیزان دعوت می‌شود برای مطالعه جزئیات کامل فعالیت‌ها، گزارش سالانه کانون ایرانیان ویکتوریا را در وبسایت کانون مشاهده بفرمایید.

بحران خاورمیانه، ملاقات با خانم Monique Ryan نماینده مجلس درباره تأثیرات اجتماعی و عاطفی وضعیت منطقه بر جامعه ایرانی.

او یادآور شد که کانون در ماه آگوست نیز بیانیه‌ای رسمی در حمایت از ارزش‌های استرالیا مانند قانون‌مداری، انسجام اجتماعی و احترام متقابل منتشر کرده است.

سپس خانم لعبت نظامی، عضو سابق هیأت مدیره نیز گزارش مالی کانون را ارائه کرد و پس از توضیحات، گزارش مالی به تایید حضار رسید.

در بخش پایانی جلسه، کمیته مدیریت کانون قدردانی ویژه‌ای از اعضای که نقش خود را در هیأت مدیره و کمیته مدیریت به پایان رسانده‌اند، انجام داد. خانم لعبت نظامی، آقای علیرضا کوکلان، خانم مهسا حجاری، آقای کوروش کامکار و آقای فرید صمدی با تلاش، وقت و انرژی خود سهم بزرگی در پیشبرد فعالیت‌ها و برنامه‌های کانون داشتند و حضورشان در طول سال‌های گذشته بسیار ارزشمند بود. حضار با تشویق و لبخند، این قدردانی را پاسخ دادند و فضایی پر از حس همبستگی و احترام متقابل ایجاد شد.

سپس تیم جدید کمیته مدیریت برای سال پیش‌رو معرفی شد:

3

Build rapport and nurture culture

حوزه ۳: حفظ و پرورش فرهنگ

در بخش بعد، خانم عصمت امیراحمدی یکی دیگر از اعضا هیئت مدیره کانون گزارشی از فعالیت‌های فرهنگی ارائه کرد و از جمله:

جشن نوروز در پارلمان ویکتوریا برای پنجمین سال پیاپی، با موضوع نقش زنان جامعه چندفرهنگی در سیاست، مراسم روز کوروش و جشن انتشار دویستمین شماره گلبانگ در ساختمان شهرداری مینینگهام، مشارکت کانون در مراسم هفته پناهندگان در کتابخانه ناکس و

خانم امیراحمدی در ادامه، گزارش گلبانگ را نیز ارائه کرد و ضمن قدردانی از دکتر رضا داوری برای پنج سال تلاش ارزشمندش در جایگاه سردبیر، اعلام کرد که تیم تازه‌نفس و خلاق به تحریریه، طراحی و عکاسی مجله پیوسته است.

4

Promotion and Preservation of Human Rights

حوزه ۴: ترویج و پاسداشت حقوق بشر

خانم زارع گزارش حوزه چهارم را نیز ارائه کرد و از سلسله دیدارهای کانون با نمایندگان دولتی و فدرال گفت:

دیدار با نمایندگان مجلس آقایان ایوان والترز و Gabriel Ng، جلسه با نماینده مجلس جناب Julian Hill، شرکت در نشست سراسری به دعوت جناب Tony Burke درباره پیامدهای





گزارش جشنواره ایرانی

Persian Fair

۲۳ نوامبر ۲۰۲۵

گردآورنده: علی شاملو



دوازدهمین جشنواره ایرانی / پرشین فر در تاریخ یکشنبه بیست و سوم نوامبر سال جاری توسط خانه ایران در تان هال باکس هیل برگزار گردید. خانه ایران که بانی این رویداد مهم فرهنگی هنری می باشد، سازمانی است غیرانتفاعی، غیرسیاسی و غیرمذهبی که در سال ۲۰۰۶ یعنی نوزده سال پیش در ایالت ویکتوریا به همت اعضایش به ثبت رسید. هدف خانه ایران صرفاً " اشاعه و شناساندن فرهنگ، هنر و سنت غنی ایران زمین بوده و در ضمن محلی برای گردهمائی ها و فعالیت های اجتماعی و رفاهی اعضا و هموطنان می باشد.

بیش از سه هزار بازدید کننده مشتاق، از جوان و میانسال و کودک هموطن گرفته تا شهروندان غیر ایرانی به تان هال باکس هیل آمدند تا خاطره یک روز شاد و پرنشاط را با مشاهده هنر ایرانی (رقص و موزیک) و بازدید از غرفه های غذاهای متنوع ایرانی و صنایع دستی و خدمات صاحبان حرف به ارمغان برند. برگزاری پرشین فر فرصتی است برای نسل جوان ایرانی بخصوص آنان که در استرالیا متولد شده اند و همچنین صدها شهروند استرالیائی، که از نزدیک با فرهنگ و هنر غنی ایران آشنا شوند و به خصوص استرالیائی ها با تماس نزدیک و مشاهده شخصیت و منش ایرانی و حتی پوشش آنان در یابند که جامعه ایرانی آن منظر نامطلوبی نیست که مدیاهما، رسانه های خارجی و حتی کانال های تلویزیونی به تصویر می کشند. من فکر می کنم شناساندن چهره واقعی جامعه ایرانی و عرضه هنر و فرهنگ آن بزرگترین دستاورد دست اندرکاران خانه ایران در این

در راستای تحقق اهداف خانه ایران فعالیت های بیشماری صورت می گیرد که مهم ترین رویداد آن برگزاری سالانه پرشین فر می باشد. اولین پرشین فر در دوازده سال پیش به ابتکار و همت بانوان گروه بازاریابی انجام پذیرفت تا هنر و فرهنگ ایرانی در سبز شهر ملبورن به نمایش گذارده شود. خوشبختانه پرشین فر امسال ما باشکوه تر و پر بار تر از سال های پیش انجام پذیرفت. در روز بیست و سوم نوامبر





شاهد همکاری بیشتر نسل جوان باشیم تا هم از نیروی پرتلاش آنها بهره بریم و هم خلاقیت این نسل بر پریشانی فرافزوده گردد.

در خاتمه باید یادآور شوم که درآمد حاصل از فعالیت‌های ایران منجمله پرشین‌فر صرف بازپرداخت اصل و بهره وام دریافتی برای خرید محل فعلی خانه ایران می‌شود.



جامعه چند ملیتی در این سال‌ها بوده است.

نکته مهم دیگر در برگزاری پرشین‌فر، همکاری و بهره‌گیری همه‌ساله از بیش از دویست داوطلب است که جملگی جوانان عاشق ایران و ایرانی هستند. این تجربه ارزنده و زیبا نشان داد که با مدیریت صحیح و کارآمد و بهره‌گیری از نیروی انسانی لازم و مفید می‌توان کار جمعی نمود و این تجربه خط باطلی بود براین باور سنتی که ایرانی نمی‌تواند کار و فعالیت جمعی انجام نماید.

بهرصورت برگزاری پرشین‌فر امسال یک برنامه موفق دیگری را در کارنامه فعالیت‌های خانه ایران رقم زد. امیدوارم در سال آتی





ورکشاپ فضای دیجیتال

گردآورنده: محمد باغکی

◆ راهنمای مراجعه و دریافت کمک در صورت قربانی شدن

این برنامه با مدیریت خانم عصمت امیراحمدی برگزار شد که طی آن، مطالب به صورت ساده، قابل فهم و همراه با نمونه‌های واقعی ارائه گردید تا حضاران بتوانند نکات مطرح شده را در زندگی روزمره خود به کار بگیرند.

پس از صرف ناهار و گفت‌وگوی دوستانه، جلسه با بخش پرسش و پاسخ ادامه یافت و شرکت‌کنندگان فرصت داشتند سوالات خود را درباره امنیت دیجیتال، هوش مصنوعی و انواع کلاهبرداری مطرح کنند.

این گردهمایی با استقبال گرم حضاران روبه‌رو شد و شرکت‌کنندگان آن را برنامه‌ای مفید، آموزنده و ضروری برای جامعه‌ی سالمندان ارزیابی کردند.

در روز سه‌شنبه ۲۱ اکتبر، در محل Warrandyte Senior Citizens Club، گردهمایی ویژه‌ی سینیورهای کلاب برگزار شد. این برنامه به مجموعه‌ای از موضوعات کاربردی و روزآمد اختصاص داشت؛ از جمله:

- ◆ آشنایی با مفاهیم پایه و کاربردهای هوش مصنوعی
- ◆ امنیت در دنیای دیجیتال و راه‌های افزایش ایمنی در فضای آنلاین
- ◆ روش‌های تشخیص کلاهبرداری‌های اینترنتی و تلفنی
- ◆ گام‌های اصلی برای محافظت از اطلاعات شخصی در اینترنت
- ◆ معرفی انواع رایج کلاهبرداری و نشانه‌های خطر





منشور کوروش کبیر، نخستین سند حقوق بشر جهان

گردآوری: دکتر فرهاد ملکی و ایمان برآبادی

بخش‌های مهم منشور کوروش عبارتند از:

۱. معرفی خود:

«منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل، شاه سومر و آکد، شاه چهار گوشه جهان...»

۲. ورود صلح‌آمیز به بابل:

«آنگاه که بدون جنگ و پیکار وارد بابل شدم، همه مردم گام‌های مرا با شادمانی پذیرفتند. در بارگاه پادشاهان بابل بر تخت پادشاهی نشستم. مردوک (خدای بابل) دل‌های پاک مردم بابل را متوجه من کرد، زیرا من او را محترم داشتم.»

۳. امنیت و عدم غارت:

«ارتش بزرگ من به آرامی و صلح وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد شود. من برای صلح کوشیدم.»

۴. لغو برده‌داری و بیگاری:

«من ویرانه‌های آن‌ها را آباد کردم و مردم را از بدبختی رهانیدم. یوغ بردگی را از گردنشان برداشتم (بیگاری را برانداختم). خانه‌های فروریخته آن‌ها را از نو ساختم و به تیره‌بختی‌شان پایان دادم.»

۵. آزادی مذهبی و بازگشت تبعیدی‌ها:

«فرمان دادم تمام نیایشگاه‌هایی را که بسته شده بود بگشایند. همه خدایان این مکان‌های مقدس را به جای خود بازگرداندم و خانه‌هایی جاودانه برایشان ساختم. تمام مردمی را که پراکنده شده بودند (اشاره به یهودیان و سایر اقوام تبعیدی) جمع کردم و به سرزمین‌های خودشان بازگرداندم.»

منشور کوروش کبیر در چهل و سومین مجمع عمومی یونسکو در شهر سمرقند طی یک قطعنامه در تاریخ ششم نوامبر ۲۰۲۵ مطابق با ۱۵ آبان ۱۴۰۴ به عنوان نخستین منشور حقوق بشر در جهان که به احترام بر اصول آزادی، عدالت، مدارا، تنوع فرهنگی و حقوق بشر تاکید دارد، به رسمیت شناخته شد.

این قطعنامه از طرف سه کشور ایران، تاجیکستان و عراق ارائه شده بود و با اکثریت آرا به تصویب رسید. یونسکو امیدوار است که به رسمیت شناختن این منشور بتواند به حقوق بشر، عدم تبعیض و رواداری فرهنگی کمک کند. حکومت ایران در حالی برای تصویب این قطعنامه فعالیت کرده که با توجه به اسناد سازمان‌های حقوق بشر بالاترین میزان آمار رسمی اعدام را در جهان دارد و تنها در ۱۰ ماه گذشته بیش از ۱۲۰۰ نفر را اعدام کرده.

منشور کوروش (Cyrus Cylinder) در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. این منشور متن سخنان کوروش هخامنشی در سال ۵۳۹ پیش از میلاد پس از فتح بابل است. متن کامل منشور کوروش نسبتاً طولانی است و بخش‌هایی از آن در طول تاریخ از بین رفته یا شکسته شده است. این متن به زبان «اکدی» و با خط میخی نوشته شده است.



قند پارسی در سرزمین هند

امپراطوری فرهنگی ایران - ۹

گردآورنده: دکتر فرهاد ملکی

مقدمه

شکر شکن شوند همه طوطیان هند

زین قند پارسی که به بنگاله می رود

کمی بیش از ۱۵۰ سال پس از آن که فردوسی کاخ سخن ایران را بنا کرد، شعر پارسی از مرزهای ایران فراتر رفت و وارد سرزمین هند شد. این فراگیری بصورت دو موج بزرگ صورت گرفت. موج اول در دوره کشورگشایی‌های غزنویان در شمال هند و موج دوم پس از ورود نیروهای نظامی بابر، نوه امیر تیمور گورکانی به هند و تاسیس حکومت گورکانیان معروف به مغولان هند انجام گرفت.

قرن پنجم هجری: شکست سنگین غزنویان در جنگ دندانقان



غزنویان از زمان سبکتکین و سلطان محمود هر ساله حملاتی را تحت نام جهاد به هند انجام می‌دادند که با تصرف بخش‌هایی از شمال سرزمین هند و غارت طلاهای موجود در عبادتگاه‌های آنان همراه بود. در سال ۴۳۱ هجری جنگ بزرگی بین سلطان مسعود غزنوی و ترکمان‌های سلجوقی به رهبری طغرل بیک در دندانقان نزدیک شهر مرو در گرفت، سلطان مسعود که خود رهبری لشگری بزرگ را در دست داشت از طغرل بیک سلجوقی که با وجود سپاهی کوچک دلیرانه جنگید شکست سختی خورد و پس از فرار به غزنین کشته شد. بدین ترتیب غزنویان خراسان و کل ایران را به سلجوقیان واگذار کردند، با این وجود حکومت غزنویان تا صد سال بعد از مرگ سلطان مسعود در غزنین و متصرفات آنها در شمال هند ادامه پیدا کرد و از آنجا که غزنویان خود را ادامه سامانیان می‌دانستند زبان و فرهنگ پارسی را در شمال هند رواج دادند.

مسعود سعد سلمان: زندانی نای

مسعود سعد سلمان در سال ۴۴۰ هجری در لاهور دنیا آمد و حدود ۸۰ سال عمر کرد، در دستگاه غزنویان به شغل کتابداری مشغول بود و بنا بر اتهاماتی بمدت ۱۸ سال را در زندان‌های مختلف گذراند. مسعود زمانی که در زندان نای بود اشعاری تحت نام حبسیات نوشت که همگی شکوائیه هستند. حبسیات جزو معروف‌ترین اشعار او بشمار می‌روند.



در جنگ دندانقان سلطان مسعود شکست سختی خورد

قرن دهم هجری مهاجرت شاعران ایرانی به هند

به شعر حافظ شیراز می‌رقصند و می‌نازند
سپه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

پس از مرگ امیر تیمور گورکانی افراد خانواده اش برای جانشینی او وارد جنگ‌های بی‌پایانی شدند. در سال ۱۵۲۶ میلادی بابر یکی از نوادگان تیمور که از این جنگ‌ها بهره‌ای نبرده بود با سپاهیانش وارد شمال هندوستان شد و پس از شکست دادن حاکم محلی آنجا سلسله گورکانیان هند را تاسیس کرد و از آنجا که از طرف مادری نسبت مغولی داشت این سلسله به مغولان هند معروف شد. پنج شاه نخست این سلسله که بسیار قدرتمند بودند به مغولان کبیر مشهور شدند. اکبر شاه کبیر و شاه جهان را مهمترین شاهان این سلسله و شخص اکبر شاه را مهمترین شاه تاریخ هند دانسته‌اند. اکبر شاه توانست تغییرات بزرگی در سیستم حکومتی هند ایجاد کند از جمله تبدیل زبان فارسی به زبان رسمی و حکومتی هند. تغییر بزرگ دیگر او ایجاد دین واحدی به نام دین الهی بود با هدف ایجاد روا داری دینی و کاستن از اختلافات و تشنجات دینی. دین الهی ترکیبی از دین‌های اسلام، هندو و زردشتی بود. او شاعران و هنرمندان را گرامی می‌داشت و از همین رو عده زیادی از شاعران، هنرمندان و معماران ایرانی در دوره حکومت او و جانشینانش به هند مهاجرت کردند. این دومین موج گسترش شعر پارسی در هند بود.



شاه جهان و همسرش ممتاز محل علاقه زیادی به شعر پارسی داشتند.

شاه جهان و همسرش ممتاز محل و سه تن از فرزاندانش دارا شکوه، جهان‌آرا بیگم و روشن‌آرا بیگم علاقه زیادی به شعر پارسی داشتند و خودشان نیز اشعاری سروده‌اند. در دوره شاه جهان صائب تبریزی، شاعر مشهور قرن یازدهم هجری هفت سال در هند اقامت داشت و قصیده‌های درباره تاج گذاری شاه جهان سرود. غزالی مشهدی، کلیم کاشانی و قدسی مشهدی نیز مقامات بالایی در دربار اکبر شاه و شاه جهان داشتند. از دیگر شاعران پارسی‌گوی آن دوران هند می‌توان این شاعران را نام برد: فیضی دکنی، عرفی

محبوس چرا شدم نمی دانم
دانم که نه دزدم و نه عیارم
نزهیج عمل نواله‌ای خوردم
نزهیج قباله با قئی دارم

دیوان مسعود سعد شانزده هزار بیت دارد که اولین بار توسط سنائی غزنوی جمع‌آوری شد و تا کنون بارها چاپ شده.
مسعود سعد سلمان اشعاری در توصیف روزهای ماه دارد مثل این شعر که در وصف آبان روز سروده:

آبان روز است، روز آبان
خرم گردان به آب رز جان
بنشین به نشاط و دوستان را
ای دوست به عز و ناز بنشان
تا باده خوریم و شاد باشیم
برنام خدایگان کیهان

امیر خسرو دهلوی: سعدی هند

در سال ۶۵۱ هجری در دهلی در خانواده‌ای ترک نژاد دنیا آمد. او شاعر، نویسنده، عارف و موسیقی دان بود و به فارسی، ترکی، عربی و سانسکریت تسلط داشت. در غزل از سعدی تاثیر گرفته بود از این رو او را سعدی هند لقب داده‌اند. متقابلاً او نیز بر شاعران پس از خود از جمله حافظ تاثیر گذاشت.



امیر خسرو علاقه زیادی به نظامی داشت و کتاب‌هایی به تقلید از او نوشته مثل مجنون و لیلی که به تقلید از لیلی و مجنون نظامی نوشته، آیینه سکندری به شیوه اسکندرنامه و هشت بهشت به تقلید از هفت پیکر. بسیاری از ادیبان او را مهم‌ترین شاعر پارسی‌گوی هند و حتی بنیان‌گذار سبک هندی دانسته‌اند.

بیم است که سودایت دیوانه کند ما را
در شهر به بدنامی افسانه کند ما را
من می‌زده دوشم، شاید که خیال تو
امروز به یک ساغر مستانه کند ما را

امیر حسن دهلوی

شاعر و عارف پارسی‌گوی هند، معاصر و دوست امیر خسرو دهلوی بود و همچون او در غزل متأثر از سعدی بود.

روزم تو بر فروز و شبم را تو نور بخش
این کار توست، کار مه و آفتاب نیست
ای محتسب تو خیمه به خمار خانه زن
بگذر ز ما که مستی ما از شراب نیست

است و کلیات اشعارش بالغ بر چهارده هزار بیت است. عرفی در سن ۳۶ سالگی در شهر لاهور فوت کرد.

از باغ جهان رخت بیستیم و گذشتیم
شاخی ز درختی نشکستیم و گذشتیم
گفتند که از کعبه گذشتن نه به هوش است
گفتیم که ما مردم مستیم و گذشتیم
هر گاه که چشم من و عرفی به هم افتاد
در هم نگرستیم و گرسیم و گذشتیم

قدسی مشهدی

از شاعران بنام سبک هندی در قرن یازدهم هجری است. او در مشهد بدنیا آمد و در جوانی تاجر و مدتی خزانه دار حرم امام رضا در مشهد بود ولی پس از تحمل مشکلات فراوان در سن پنجاه سالگی به هند رفت و مورد عنایت شاه جهان قرار گرفت. او شعری در مراسم نصب تخت طاووس سرود و شاهنامه ای در باره حکومت شاه جهان بنام ظفرنامه شاه جهان نوشت. قدسی پس از مرگ در آرامگاه شاعران کشمیر دفن شد.

اگر چه خدمت مسجد نشد حواله ما
چراغ میکده روشن شد از پیاله ما
چو کاسه ای که به آن می زخم برون آرند
به می درون و برون شسته شد پیاله ما



کلیم کاشانی

موجیم که آسودگی ما عدم ماست
ما زنده به آنیم که آرام نگیریم

ابوطالب کلیم کاشانی اصلاً زاده همدان بود و از این رو او را کلیم همدانی نیز گفته اند. او بعداً به کاشان رفت و برای آشنا شدن با علوم مدتی در شیراز بود. او سپس

در زمان جهانگیر گورکانی به هند سفر کرد و مدتی بعد در دوره شاه جهان به مقام ملک الشعرائی رسید. او ماموریت یافت تا کتاب ظفرنامه شاه جهان که با مرگ قدسی مشهدی ناتمام مانده بود را به اتمام برساند. از کلیم ده هزار بیت بجا مانده که پنج هزار بیت آن غزل است. کلیم در ۷۱ سالگی فوت کرد و آرامگاهش در کشمیر است.

تا کی ای سر در هوا در آسمان جوئی خدا
ذوقی از بالا نشستن نیست صاحبخانه را
آرزوی بوسه از ساقی نه حد چون منی است
مستم و با ترس می بوسم لب پیمانہ را



صائب تبریزی هفت سال در هند اقامت داشت

شیرازی، ثنایی مشهدی، محمد طرشتی، سنجر کاشانی، مسعود مسیح کاشانی، جویای تبریزی (کشمیری). گفته شده جمعیت فارسی زبانان هند در زمان شاه جهان هفت برابر فارسی زبانان ایران در آن زمان بود.

غزالی مشهدی

در مشهد بدنیا آمد، ابتدا به دربار صفویان رفت ولی بعد به هند رفت و مورد توجه اکبر شاه قرار گرفت. دیوان شعر و غزلیات او بارها در هند چاپ شده.

بی اثر مهر چه آب و چه گل
بی نمک عشق چه سنگ و چه دل
دل که ز عشق آتش سودا دراوست
قطره خونی است که دریا در اوست

فیضی دکنی

در اواسط قرن دهم هجری در شهر آگرا بدنیا آمد و از شاعران طراز اول پارسی گوی هند بود. او بعد از غزالی مشهدی به عنوان ملک الشعرای دربار اکبر شاه انتخاب شد. از او اشعاری به تقلید از نظامی بجا مانده. او علاوه بر خلق آثار ادبی، از شاعرانی هم که به هند می رفتند حمایت می کرد و نیز از حامیان اصلی دین الهی اکبر شاه بود.

فلک زین کجروی هایت نمی گویم که برگردی
شب وصل است خواهم اندکی آهسته تر گردی
پس از عمری ست امشب کوکب اقبال من طالع
تو را ای شب نمی خواهم به وقت خود سحر گردی



عرفی شیرازی

عرفی شیرازی از شعرای قرن دهم هجری در شیراز بدنیا آمد و در اوایل جوانی به هند مهاجرت کرد. در آنجا از طریق دوستی با فیضی دکنی با بزرگان هند آشنا و به اکبر شاه در شهر لاهور معرفی شد. شهرت او بیشتر به قصیده سرایی بود. او از شاعران بنام سبک هندی

بر او شورید و در جنگ‌هایی که بین برادران روی داد همه برادرانش کشته شدند و اورنگ زیب شاه شد. او همچنین شاه جهان را تا لحظه مرگ در قلعه‌ای زندانی کرد. اورنگ زیب روش افراطی در دین اسلام سنی را در پیش گرفت و قوانین دین الهی اکبر شاه را باطل کرد. از آن زمان قدرت گورکانیان در هند رو به زوال گذاشت و از این رو به باقیمانده حکومت آنها مغولان صغیر (مغولان کوچک) گفته‌اند. سالها بعد با حمله نادر شاه افشار به هند در دوره پادشاهی محمد شاه که با کشتار وسیع و غارت خزانه هند همراه بود، گورکانیان شدیداً تضعیف شدند و بعداً حکومت آنها توسط انگلیس به پایان رسید. در این مدت زبان پارسی اهمیت خود را از دست داد. زبان انگلیسی زبان آکادمیک و زبان اردو که آمیزه‌ای از زبان پارسی و هندی بود زبان محاوره‌ای در شمال هند شد.

اقبال لاهوری: شاعر پارسی‌گو و قهرمان ملی پاکستان

گمان مبر که به پایان رسید کارمغان
هزارباده ناخورده در رگ تاک است

محمد اقبال معروف به اقبال لاهوری، شاعر، نویسنده، فیلسوف، وکیل و سیاستمدار در سال ۱۸۷۷ میلادی در شهر سیالکوت دنیا آمد، ابتدا در لاهور و بعد در کمبریج و مونیخ تحصیل کرد و در بازگشت به لاهور به وکالت مشغول شد. او شاعر پارسی‌گو و سیاستمدار طرفدار تشکیل کشور مستقلی با اکثریت مسلمان در شبه قاره هند بود. این آرزو ۹ سال پس از مرگش تحقق یافت و کشور پاکستان در بخش شمالی شبه جزیره هند در سال ۱۹۴۷ ایجاد شد و پس از آن اقبال شاعر ملی پاکستان نام گرفت و ۹ نوامبر سالروز تولدش در پاکستان تعطیل رسمی اعلام شد. اگر چه اقبال کتاب‌های زیادی در نثر و نظم به سه زبان فارسی، اردو و انگلیسی نوشته ولی اکثر اشعار او به زبان فارسی است.



در جهان بال و پر خویش گشودن آموز
که پریدن نتوان با پر و بال دگران

ساحل افتاده گفت، گر چه بسی زیستم
هیچ نه معلوم شد آه که من چیستم
موج ز خود رفته‌ای تیز خرامید و گفت
هستم اگر می‌روم، گر نروم نیستم

منابع

مهاجرت هنرمندان ایرانی به هند در دوره صفوی، ویکی نور، سایت گنججو، ویکی پدیا،
سایت کتابراه، مقاله زمانی که اکثر فارسی زبانان جهان در هند بودند
این‌دین‌دندت فارسی

محمد شاه گورکانی در جنگ کرنال از نادر شاه
به سختی شکست خورد.

بیدل دهلوی: شاعر آینه‌ها

چشم وا کن شش جهت یاراست و بس
هر چه خواهی دید دیدار است و بس

عبدالقادر دهلوی در اواسط قرن یازدهم
هجری در خانواده‌ای ترک تبار در شهر پنته
هند بدنیا آمد. او از بزرگترین شاعران سبک



هندی بود و حدود صد هزار بیت از او باقی مانده. گفته شده که علاقه زیادی به سعدی داشته و تحت تاثیر مصراعی در دیباچه گلستان که گفته: بی‌دل از بی نشان چه جوید باز، تخلص بیدل را برای اشعارش انتخاب کرد. او پس از مرگ در خانه‌اش در دهلی دفن شد ولی بعداً جسدش توسط هوادارانش به افغانستان منتقل گردید. بیدل در ایران چندان شهرتی ندارد ولی در افغانستان و تاجیکستان بسیار معروف است. از آنجا که بیدل کلمه آینه را در اشعارش زیاد بکار برده او را شاعر آینه‌ها لقب داده‌اند و دکتر شفیع کدکنی کتابی به این اسم در بررسی آثار او تحریر کرده.

رمز دو جهان از ورق آینه خواندیم
جز گرد تحریر رقمی نیست در اینجا
شبم همه جا آینه‌دار است سحر را
چون قافله عمر به دوش نفسی چند

پایان درخشش زبان پارسی و جایگزینی زبان اردو در شمال هند

شاه جهان در سال ۱۰۶۸ هجری بعلت بیماری از سلطنت کناره گرفت و پسر بزرگش دارا شکوه را جانشین خودش کرد ولی پسر کوچکش اورنگ زیب



فرگشت؛ داستان شگفت‌انگیز دگرگونی زندگی

نویسنده: محمد باغکی



◆ جنین‌شناسی تطبیقی: شباهت‌های چشمگیر مراحل آغازین رشد جنین را در گونه‌های مختلف نشان می‌دهد.

فرگشت انسان

انسان نیز از روند فرگشتی جدا نیست. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نیاکان ما حدود ۶ تا ۷ میلیون سال پیش از دیگر نخستی‌ها جدا شده‌اند. گونه‌هایی چون هومو ارکتوس و هومو نئاندرتالنیسیس در مسیر تکامل هومو ساپینس (انسان خردمند) نقش داشته‌اند. ویژگی‌هایی مانند ایستاده راه رفتن، استفاده از ابزار، زبان و تفکر انتزاعی نتیجهٔ میلیون‌ها سال تغییر تدریجی است.

فرگشت در روزگار کنونی

فرگشت تنها پدیده‌ای مربوط به گذشته نیست؛ امروز نیز ادامه دارد. مقاومت باکتری‌ها در برابر آنتی‌بیوتیک‌ها یا جهش ویروس‌هایی مانند کووید-۱۹ نمونه‌هایی زنده از فرگشت در جهان امروزی است. این رخدادها یادآور می‌شوند که طبیعت همواره در حال تغییر است و هیچ گونه‌ای -از جمله انسان- از این قانون کلی مستثنی نیست.

نتیجه‌گیری

فرگشت داستان بقا، سازگاری و خلاقیت زندگی است. این نظریه نه تنها ساختار زیستی جهان را روشن می‌کند، بلکه نگاه ما به خود و محیط پیرامون را ژرف‌تر می‌سازد. فهم فرگشت یعنی درک پیوستگی میان همه موجودات زنده و مسئولیت ما در حفظ این میراث میلیون‌ها ساله.

منابع پیشنهادی برای مطالعهٔ بیشتر

۱. چارلز داروین - خاستگاه گونه‌ها

۲. ریچارد داوکینز - ژن خودخواه

۳. استیون جی گولد - زندگی شگفت‌انگیز

مقدمه

فرگشت (Evolution) یا تکامل زیستی یکی از بنیادی‌ترین و در عین حال شگفت‌انگیزترین نظریه‌های علمی در تاریخ بشر است. این نظریه توضیح می‌دهد که چگونه گونه‌های گوناگون جانداران بر اثر تغییرات تدریجی در طی میلیون‌ها سال از نیاکان مشترک پدید آمده‌اند. فرگشت نه تنها یک نظریه زیستی، بلکه دریچه‌ای برای شناخت جایگاه انسان در جهان و پیوستگی ژرف میان همه موجودات زنده است.

خاستگاه نظریه فرگشت

پایه‌های اندیشهٔ فرگشتی در قرن نوزدهم و با انتشار کتاب خاستگاه گونه‌ها اثر چارلز داروین در سال ۱۸۵۹ شکل علمی یافت. داروین بر اساس مشاهدات خود از طبیعت، به‌ویژه در جزایر گالاپاگوس، دریافت که تفاوت‌های کوچک در صفات جانداران می‌تواند در گذر زمان و بر اثر «گزینش طبیعی» به تغییرات بزرگ و حتی پیدایش گونه‌های تازه منجر شود.

در گزینش طبیعی، جاندارانی که صفات سودمندتری برای بقا و تولید مثل دارند، احتمال بیشتری برای انتقال ژن‌های خود به نسل‌های بعد خواهند داشت. محیط زیست در این فرایند همچون دآوری ناپیدا عمل می‌کند که تعیین می‌کند کدام صفات باقی بمانند و کدام‌ها حذف شوند.

شواهد علمی فرگشت

شواهد فرگشت از رشته‌های علمی گوناگون به دست می‌آید:

- ◆ سنگواره‌ها (فسیل‌ها): روند تدریجی تغییر گونه‌ها را در لایه‌های زمین آشکار می‌کنند.
- ◆ ژنتیک مولکولی: شباهت حیرت‌انگیز DNA میان گونه‌ها را نشان می‌دهد؛ برای نمونه، بیش از ۹۸٪ ژن‌های انسان با شامپانزه مشترک است.
- ◆ زیست‌جغرافیا: توضیح می‌دهد چرا گونه‌های مشابه در مناطق جغرافیایی نزدیک دیده می‌شوند.

کارگاه موسیقی کودکان

گردآورنده و عکاس: سیامک داوودی نژاد

تماشای ویدیو



کارگاه موسیقی کودکان، به همت گروه فرهنگی انار و آنسامبل آوا و به سرپرستی استادیار، حمید متبسم برگزار شد و با همکاری و حمایت AISOV شکل گرفت. این نشست تجربه‌ای شاد، آموزشی و الهام‌بخش برای کودکان و خانواده‌هایشان فراهم کرد و آن‌ها را با زیبایی و غنای موسیقی ایرانی، سازهای سنتی و نظام دستگامی آشنا ساخت.

با پشتیبانی از چنین برنامه‌هایی، AISOV همچنان بر تعهد خود برای تقویت و پرورش هنر و فرهنگ ایرانی در میان نسل جوان تاکید می‌کند و در کنار آن فرصت‌هایی می‌آفریند تا خانواده‌ها از طریق تجربه‌های فرهنگی مشترک، ارتباط نزدیک‌تری با یکدیگر برقرار کنند.

گروه فرهنگی‌هنری انار نیز که از سال ۲۰۱۷ به مدیریت نسیمه ایرانی آغاز به کار کرده، فعالیت خود را با اکران فیلم توران خانم به کارگردانی رخشان

بنی‌اعتماد و مجتبی

میرطهماسب آغاز کرد. این

گروه در ادامه با نمایش

مستندهای گوناگون و

همکاری با هنرمندان ایرانی

داخل و خارج از کشور،

کنسرت‌ها و اجراهای

تئاتری متعددی را در

شهرهای مختلف استرالیا

برگزار کرده است.

گروه انار همچنان استوار

بر رسالت خود در حفظ

و گسترش فرهنگ و هنر

فاخر ایرانی گام برمی‌دارد



@pomegranate_cultural_group

@ava_ensemble

@dawnellehome

و با برگزاری برنامه‌هایی از این دست، سهمی ارزشمند در تداوم میراث فرهنگی ایران در جامعه مهاجر بر عهده دارد.



پروین، فروغ و سیمین



گردآورنده: دکتر سونیا صادقیان اصفهانی

جهل، مروارید و صدف، ستمگر و مظلوم...
قالب اصلی او قصیده و مثنوی سنتی است.

۳. ویژگی‌های شعر

:توانایی در مناظره‌های شاعرانه و اندیشه‌های اخلاقی عمیق.

پیوند دادن فلسفه اخلاق و شعر به زبانی روشن و استوار.

یکی از نخستین زنانی که با جدیت در عرصه شعر فارسی سنتی حضور یافت و صدای زنانه را در قالبی سنتی بیان کرد.



فروغ فرخزاد ۱۳۱۳-۱۳۴۵

۱. منظر و جهان بینی

فروغ شاعری احساس‌گرا، مدرن و فردگرا است.

در شعر او زن، عشق، تن، آزادی، تنهایی و هویت انسانی در مرکز توجه قرار دارد.

او از منظر تجربه‌ی شخصی و زنانه به جهان می‌نگرد و برای نخستین بار در شعر فارسی،

زن را به عنوان «سوژه» و نه «ابژه» نشان می‌دهد.

نگاهش وجودی و اجتماعی است: از «من فردی» آغاز می‌کند و به «انسان معاصر» می‌رسد.

۲. ویژگی‌های هنری

آغاز کارش با شعر نو نیمایی بود، ولی در آثار پایانی (مثل تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد) به بیانی کاملاً شخصی و آزاد رسید.

زبانش ساده اما بسیار تصویری، نمادین و موسیقایی است.

شعر او سرشار از جسارت بیانی، صداقت عاطفی و نوآوری در مضمون و زبان است.

۳. ویژگی‌های شعر

بازآفرینی زبان زنانه در شعر فارسی و شکستن تابوهای فرهنگی.

ترکیب اندیشه فلسفی با تجربه زیسته.

تصویرسازی مدرن و زبانی زنده و احساسی.

شعر او صدای رهایی، شک، و جست‌وجوی معنای زندگی در جهان مدرن است.

فروغ فرخزاد و پروین اعتصامی هر دو از شاعران زن معاصر نامدار ایرانند، اما از دو نسل، که نسبتاً از دو نگاه و دو جهان فکری متفاوت سخن می‌گویند. در ادامه، تفاوت‌ها، منظر فکری و هنری هر یک را بررسی می‌کنیم. لازم به ذکر است که آنچه در ادامه می‌خوانیم صرفاً نظریاتی و تحلیلاتی نسبی است که نمی‌توان آن‌ها را با قطعیت ادعا کرد و از منظر گردآورنده‌ی این مطلب همین گوناگونی‌ها هستند که جهان قابل مشاهده و قابل درک اطرافمان را زیبا می‌سازند و پتانسیل درک و تحلیل را ایجاد می‌کنند و بالا می‌برند. لذا مقایسه‌ها فقط جنبه‌ی تحلیلی دارند و نه تشخیص یا بیانیه. لذا، همان‌گونه که گوناگونی رنگ‌ها درمنشور، تفاوت نت‌ها در خلق موزیک‌های گوش‌نواز و تنوع شکل و بوی گل‌ها زیبایی می‌آفریند، انواع شعر از تمام وجوه، مانند سایر هنرها زیبایی‌آفرین و ارزشمند است. در جهانی فازی که حتی اعداد و حتی مکان ریزترین ذرات در بطن هسته‌ی ماده و هزاران مثال دیگر فارغ از هرگونه قطعیت است، پذیرش اینکه مقایسه‌ها فقط جنبه‌ی نگرش به تفاوت‌ها را دارد منطقی است. چرا که نه چندان معیارهایی قطعی وجود دارد و نه وزن اهمیتی قطعی. به علاوه اینکه، این نوشته بر حسب علاقه به موضوع نوشته شده و تحت تاثیر دانش محدود گردآورنده است.

پروین اعتصامی ۱۲۸۵-۱۳۲۰

۱. منظر و جهان بینی

پروین شاعری اخلاقی، تعلیمی و سنت‌گرا است.

در شعر او عقل و اخلاق، پند و اندرز، عدالت‌خواهی، و انسان‌دوستی محور اصلی‌اند.

نگاه او به زن، اگرچه همدلانه است، اما در

چارچوب ارزش‌های سنتی و مذهبی زمان خودش حرکت می‌کند.

پروین جهان را از دید «نیکی و بدی»، «عدالت و ظلم»، «دانایی و نادانی» می‌بیند و در پی اصلاح انسان و جامعه است.

۲. ویژگی‌های هنری

زبانش متأثر از سبک خراسانی و عراقی است؛ فصیح، رسمی و اخلاقی.

از مناظره و تمثیل بسیار استفاده می‌کند (مثل گفت‌وگوهای میان عقل و

دوید و فریاد زدن این پند که اگر "نان نداری، بده مهر خویش، که این دو جهان می‌خرد یک پریش". واژه‌ها را توانمندانه و هنرمندانه به بند وزن می‌کشد، کلام را به صنعت می‌آراید تا اثربخشی نصیحت اخلاقی و اجتماعی‌اش را اثربخش کند تا از رنج انسانی بگوید، که هدفش نه توصیف احساسات شخصی، بلکه تعلیم اخلاق و نوع‌دوستی است. زبانش نمادین و پندآموز است؛ از گفت‌وگوی یتیم و توانگر برای برانگیختن وجدان اخلاقی جامعه بهره می‌گیرد. زن در شعر پروین کمتر به عنوان «فرد تجربه‌گر» حضور دارد، بلکه بیشتر ناقل خرد و پیام انسانی است. لحن شاعر از «من فردی» فاصله دارد و به «من اجتماعی و معلم‌گونه» نزدیک است.

در این دو مثال، به نظر می‌رسد، فروغ به عشق جسمانی و تجربه شخصی می‌پردازد و پروین به عدالت، شفقت، اخلاق. نگاه فروغ به زن، زنِ فاعل، صاحب احساس و میل است و پروین زنِ ناصح و داناست و آموزگار اخلاق در شعرش! در این مثال شعر فروغ، زن بی‌کشف خویشتن و رهایی از قید سنت و پروین به دنبال تربیت اخلاقی، اصلاح رفتار اجتماعی. پس فروغ زبانی حسی، بی‌پرده، و تصویری را به کار می‌گیرد و زیبایی را با صداقت و شور درونی به شعر می‌کشد و پروین، زبانی رسمی، نمادین، اندرزگونه را که

زیبایی را به شکل نظم فکری و معناگرایی. به منصفی ظهور می‌کشد. فروغ پرچم‌دار تابوشکنی شدید در جامعه می‌شود و حق زن را در بیان احساسش و در بیان بی‌پروای تجربه شخصی‌اش بیان می‌دارد. جسورانه پای طرح میل زنانه در جامعه مردسالار می‌ایستد و تمامی پیامدها را آگاهانه به جان می‌خرد اما شعر را مجرای رهایی زنان جامعه از بند خودحذفی می‌کند! پروین اما، محافظه‌کارانه، محجوب و ادیب در چهارچوب ارزش‌های اخلاقی می‌ماند. پس اگرچه در نگاه نخست، حتی شعر گناه، ظاهری

برای اصلاح و حذف دردی اجتماعی به وضوحی که در شعر پروین به چشم می‌خورد ندارد، اما همان کارکرد را پیدا نموده است! حتی گویا فروغ در دوره‌ی پایانی شعرش (مثلاً در تولدی دیگر) از «گناه» شخصی عبور می‌کند و به یک نگاه انسان‌گرای فلسفی می‌رسد؛ یعنی پلی میان فردیت فروغ و اخلاق پروینی پدید می‌آید.

بخشی از تحول در شعر فروغ می‌تواند در کنار حفظ ویژگی‌های شعرهای اولیه‌اش اتفاق افتاده باشد و او را شاید بیشتر از یک شاعر جسور و معترض فردی به شاعری انسان‌گرا، اندیشمند و فلسفی تبدیل کرده باشد به شکلی که نگاهش در آثار پایانی‌اش چون "تولدی دیگر" به نوعی با روح اخلاقی و آگاهی‌بخش پروین اعتصامی تلاقی پیدا می‌کند.

فروغ فرخزاد - بخشی از شعر تولدی دیگر ۱۳۴۲

"همه هستی من، آیه‌ی تاریکی است

که تو را در خود تکرار کنان

به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌ها خواهد برد.

من در این آیه ترا آه کشیدم، آه

من در این آیه تو را به درخت و آب و آتش پیوند زدم

زندگی شاید یک خیابان درازست که هر

دوره یا مکتب شعر پروین، کلاسیک و تعلیمی است در حالی فروغ مکتبی نو و مدرن دارد. از همین روست شاید که ویژگی‌های زبانی پروین در شعر، رسمی، فاخر و سنتی است در حالی که فروغ از زبانی تصویری و آزاد در خلق شعرش استفاده کرده‌است. گرچه فروغ خواننده‌ی شعر را گاهی به ساحت سورئالی که فضای خلق شعرش هست می‌کشاند، پروین با مثال‌هایی از زندگی واقعی روزانه چون مناظره‌ی مست و هوشیار یا سیر و پیاز و پیرزن و یتیم، برای انتقال حس استفاده می‌کند. درونمایه شعر این دو هم تا حدودی متفاوت است چرا که دستمایه‌ها و موضوعات شعر پروین بیشتر حول اخلاق، عدالت، پند، خرد می‌گردد و فروغ به عشق، آزادی، هویت زن، انسان معاصر توجه بیشتری نشان می‌دهد. چرا که نگاه زن در چهارچوب ارزش‌های اخلاقی است اما فروغ جسورانه زن را به عنوان موجودی مستقل و اندیشنده از لایه‌های فرهنگی یک جامعه‌ی مرد سالار بیرون می‌کشد و پایش را به شعری عریان و ساحتی زلال برای ابراز زنانگی‌هایش باز می‌کند. مناظره و تمثیل تکنیک‌های مورد علاقه و کاربرد توسط پروین، "اختر شعر و ادب" است که برای تعلیم و اصلاح اجتماعی استفاده می‌شود در حالی که "زنی در آستانه‌ی فصلی سرد" از خلق تصویر و نماد به عنوان تکنیک به منظور بیان احساس،

آگاهی و فردیت بهره می‌برد. به بیانی شاید بتوان گفت که پروین از منظر عقل و اخلاق به جهان می‌نگرد و شاعر «پند» است و فروغ با دل و تجربه به جهان می‌نگرد و شاعر «زندگی» است.

با مقایسه مثالی شعر "گناه" از فروغ که از شعرهای نخستین اوست و شعر اشک یتیم از پروین تا حدودی تفاوت یا تضاد نسبی بین دو رویکرد آشکار می‌شود. یکی صدای زن سنت‌گرایز و خودآگاه (فروغ)، و دیگری صدای زن خردگرا و اخلاق مدار (پروین). ناگفته نماند که سیر تحولی شعر فروغ، تفاوت‌های چشمگیری را از گناه تا "تولدی دیگر" نمایان می‌کند که در امتداد همین مقاله به آن خواهیم پرداخت.

فروغ فرخزاد - از شعر گناه ۱۳۳۱

فروغ از آن شب، من و او، از خوابی که دیدند، از دشت تن و کاشتن بذر عطش، آتش بوسه و لب، از گناهی پر از لذت در آغوشی گرم و آتشین و از لبریز شدن از لذت آمیختن می‌گوید. از معشوق مرد! از معشوقی زمینی، آنهم بی‌پروا نه در هاله‌ای از راز.

این شعر را در دهه‌ی ۳۰ شمسی نوشت، زمانی که سخن گفتن زن از «میل جنسی» یا حتی عشق جسمانی کاملاً تابو بود. فروغ برای نخستین بار در تاریخ شعر فارسی، بی‌ترس و پرده‌پوشی، از تجربه‌ی شخصی زنانه‌اش سخن گفت. او «گناه» را نه به معنای شرع، بلکه به عنوان تجربه‌ی انسانی زیستن و خواستن، تصویر می‌کند. زبان، تصویری و صادق است؛ شعر نه پند می‌دهد، نه عذرخواهی می‌کند، بلکه صرفاً بیان هستی زنانه است. در این شعر «زن» دیگر مفعول نیست، بلکه فاعل لذت و تجربه است.

با شعر اشک یتیم از پروین ادامه دهیم! او از شبی سرد و تاریک، یتیمی نحیف نشسته به دیوار، لب‌تشنه، بی‌نصیب، کوزه شکسته، دوست‌نداشتنی و ترسان می‌گوید. از گذشتن توانگری شاد از کنار یتیم، از دویدن از پی توانگر



دارد و در جست‌وجوی نیکی در دانایی است. فروغ خودآگاهی و بیداری روح را چون هدفی دنبال کرده با لحنی درونی، تصویری، شاعرانه و آزاد در حالی که پروین به مدد لحنی منطقی، تمثیلی و پندآموز به آموزش اخلاق و تعادل میان علم و اخلاق می‌پردازد. با چرایی اینکه فروغ، زن اندیشمند و آگاه و انسان مدرن است در جست‌وجوی رهایی و پروین، انسان اخلاقی، آموزگار دانای ناصحی است در پی خیر و تقوا.

شاید می‌توان گفت که فروغ از «من عاشق و گناهکار» در شعر «گناه» به «من آگاه و جست‌وجوگر» در شعر «تولدی دیگر» می‌رسد. او از جسم آغاز می‌کند و به روح می‌رسد. اما از آغاز، پروین بر «روح و اخلاق» تأکید دارد و در همان مرزهای سنت و خرد اخلاقی می‌ماند. فروغ از درون رنج و تاریکی، به روشنایی می‌رسد؛ پروین از آغاز در روشنایی خرد ایستاده است.

به هر حال هر کدام با زبان شعر، اندیشه‌ی خاص خود را بیان می‌کنند و تفاوت در زبان و فرم، در شعر این دو شاعر، بازتابی از تفاوت در نگاه به انسان و زندگی است. واژگان و دایره‌ی زبانی فروغ در شعر ساده، روزمره و ملموس است چون چراغ، پنجره، تن، عشق، خیابان، درخت و پروین به شکل رسمی‌تری از لغاتی ادبی و کهن مثل خرد، تقوا، طاعت، فضیلت و عدل بهره می‌گیرد.

ریشه‌ی زبانی شعر فروغ، زبان زندگی روزمره و تجربه‌ی شخصی است با گرایش به سوی سادگی و صداقت احساسی نه زبانی سنتی، ادبی و اخلاقی فارسی که فصیح است با استواری منطقی چنان که پروین استفاده می‌کند.

"اگر به خانه‌ی من آمدی، چراغ بیاور و یک دریچه"

"قدرت از زینت تقوا نداشت، آزار"

گویا فروغ زبان را از برج ادبی پایین می‌آورد و وارد زندگی روزمره‌ی زن مدرن می‌کند اما پروین زبان را در سطح بلاغت کلاسیک نگاه می‌دارد تا اقتدار اخلاقی و فکری شعر حفظ شود. حتی ساختار نحوی شعر فروغ، کوتاه، گفتاری و سیال است با ریتمی نزدیک به زبان گفتار و گاهی با شکست نحوی نیمایی. اما در کلام پروین، منظم، فخیم، منطقی است در قالبی از وزن عروضی سنتی، مصرع‌های کامل و متقارن.

"من از نهایت شب حرف می‌زنم" (ساده و آزاد)

"علم اگر مایه‌ی نیکی نشود، جهل است" (منطقی و متوازن)

فروغ جملات را برای بیان حس می‌سازد، نه برای رعایت قاعده. پروین جمله را برای بیان اندیشه می‌سازد، با نظمی شبیه خطابه و تعلیم. تصویرسازی و تخیل فروغ، حسی، مدرن و نمادین است که از منشأ تجربیات شخصی و درونی می‌آیند شامل چراغ، پنجره، پرواز، زایش که هدف انتقال احساس را دنبال می‌کنند. اما تصاویر خلق شده توسط پروین تمثیلی، عقلانی، سنتی چون مروارید و صدف، عقل و جهل. که مبدأ جوشش‌شان، روایت‌های اخلاقی و خردگرایانه است با هدف آموزش مفهومی و تعلیمی از طریق مثال.

"در تنم، بذر عطش کاشت" که استعاره‌ای از میل است توسط فروغ.

روز زنی با زنبیلی از آن می‌گذرد

زندگی شاید ریسمان‌بست که مردی با آن خود را از شاخه می‌آویزد

زندگی شاید طفلی‌ست که از مدرسه برمی‌گردد

زندگی شاید افروختن سیگاری باشد، در

فاصله‌ی روختناک دو هم آغوشی

یا عبور گیج رهگذری باشد که کلاه از سر برمی‌دارد و به یک

رهگذر دیگر با لبخندی بی‌معنی می‌گوید "صبح بخیر"

زندگی شاید آن لحظه مسدودبست که نگاه من، در

نی نی چشمان تو خود را ویران می‌سازد...

و یا شعر

"من از نهایت شب حرف می‌زنم"

من از نهایت تاریکی

و از نهایت شب حرف می‌زنم

اگر به خانه‌ی من آمدی، برای من ای مهربان

چراغ بیاور و یک دریچه، که از آن

به ازدحام کوچه‌ی خوشبخت بنگرم."

در اینجا دیگر خبری از شور جسمانی «گناه» نیست؛ فروغ از تجربه‌ی فردی به بینشی فلسفی و اجتماعی رسیده است.

تولد دیگر استعاره‌ای است از بازآیش روحی و فکری زن و انسان مدرن. چراغ و دریچه نماد آگاهی، روشنایی و رهایی از تاریکی درون و جامعه هستند. فروغ در این مرحله می‌کوشد تا از رنج، تنهایی و شکست شخصی به سوی نوعی عشق جهان‌شمول و معنای انسانی حرکت کند. او حالا می‌خواهد به دیگران روشنی دهد - نه فقط خود را بیان کند.

و حالا پروین اعتصامی در بخشی از شعر انسان و خرد

"گفت انسان به خرد: ای نکوی بی‌همتا"

هر چه گویی، سخنت را نکم انکارا

گفت: پندار تو این است که هستی دانا

لیک نادانی و مغرور به پندارا

علم اگر مایه‌ی نیکی نشود، جهل است

قدرت از زینت تقوا نداشت، آزار"

پروین اینجا نیز از گفتگوی نمادین میان انسان و خرد استفاده می‌کند تا اخلاق و فلسفه را در قالبی شاعرانه بیان کند.

پیام اصلی او همان است که فروغ در «تولدی دیگر» به شیوه‌ای مدرن‌تر می‌گوید:

"آگاهی بدون روشنایی درون، خطرناک است." در شعر پروین، خرد باید با اخلاق و انسانیت همراه شود؛ در شعر فروغ، آگاهی باید با عشق و نور و انسان‌دوستی بیامیزد. نگاه فلسفی فروغ در تولدی دیگر، هستی‌شناسانه و انسان‌گرایانه است با واکاوی معنا در تاریکی و پروین نگاهی اخلاقی و عقلانی

نقطه نظر پرداختن به عشق و احساس، عشق در شعر هر دو محوری است. فروغ عشق را شخصی و گاه جسمانی می‌بیند، سیمین عشق را اخلاقی و انسانی می‌فهمد. در بیان شاعرانه، هر دو زبان صادق، زنده و احساسی دارند. فروغ در قالب آزاد (نیمایی و سپید) می‌نویسد، سیمین در قالب کلاسیک (غزل) اما با محتوای مدرن.

و از منظر نگاه اجتماعی، هر دو منتقد جامعه‌اند. فروغ بیشتر از زاویه‌ی وجودی و زنانه، سیمین از زاویه‌ی ملی، اجتماعی و انسانی. در لحن، هر دو جسور و بی‌پرده‌اند. فروغ اعتراف‌گر و گاه تلخ؛ سیمین امیدوار، نجیب و مقاوم.

شباهت‌ها و تفاوت‌های سیمین با پروین اعتصامی

از منظر نگاه اجتماعی، هر دو دغدغه‌ی عدالت، انسانیت و ارزش‌های اخلاقی دارند. پروین از موضع پند و عقل سخن می‌گوید؛ سیمین از موضع عشق و همدلی. در خصوص زبان و قالب، هر دو به سنت عروضی و زبان فاخر وفادارند. پروین زبانش کلاسیک‌تر و کهن است؛ سیمین زبانش مدرن، محاوره‌ای و زنانه‌تر. در خصوص اجتماع‌گرایی، هر دو نگران جامعه و درد مردم‌اند. پروین اصلاح‌گر اخلاقی است؛ سیمین منتقد اجتماعی شاعرانه. از منظر زن و هویت، هر دو زنان را به شرافت و آگاهی فرا می‌خوانند. پروین زن را در چارچوب سنتی‌تر تصویر می‌کند؛ سیمین زن را مستقل و اجتماعی نشان می‌دهد.

نمونه از سیمین:

من اگر برخیزم،
تو اگر برخیزی،
همه برمی‌خیزند...

این لحن، برخلاف پندهای حکیمانه‌ی پروین، دعوتی عاطفی و جمعی است؛ شعر امید و بیداری. اخلاق در شعر سیمین درونی و انسانی است نه تعلیمی و نصیحت‌آمیز. او اخلاق را نه در قالب «امر و نهی»، بلکه در عشق، صداقت، همدلی و مقاومت در بی‌عدالتی می‌بیند. مثل فروغ، آزادی فردی را می‌خواهد؛ مثل پروین، شرافت انسانی را.

از شعر "دوباره می‌سازمت وطن"

دوباره می‌سازمت وطن،
اگر چه با خشت جان خویش...

در این شعر، سیمین از اخلاقی سخن می‌گوید که در عمل اجتماعی و عشق به وطن تحقق می‌یابد، نه در موعظه. شاید بتوان گفت که سیمین میان فروغ و پروین می‌ایستد، چون فروغ، شور عشق و جسارت گفتار دارد، چون پروین، وقار، اخلاق و تعهد اجتماعی و او در نهایت، «صدای زن ایرانی در جامعه مدرن» است. زنی که هم عاشق است، هم شاعر است، هم مسئول.

در مجال دیگر بیشتر و در عمق به شعر سیمین خواهیم پرداخت.

"عقل گفت: راه نیکو، ره تقواست" که گفت‌وگوی تمثیلی است توسط پروین. فروغ تخیل را ابزاری برای بیان عاطفه و تجربه‌ی وجودی می‌کند و پروین تخیل را ابزاری برای تعلیم و تربیت و حکمت قرار می‌دهد. از منظر موسیقی و وزن شعر، شعر فروغ، نو نیمایی و آزاد است با موسیقی بیرونی آزاد و متغیر و از پروین، قصیده، مثنوی، قطعه با موسیقی کلاسیک، موزون و منظم. موسیقی درونی اما در شعر فروغ، بر پایه‌ی تکرار واژه‌ها، صداها، و تصاویر است و در شعر پروین، بر پایه‌ی قافیه و توازن معنایی.

"من از نهایت شب حرف می‌زنم" تکرار واج «ن» و «م» برای ایجاد طنین غم در حالی که "علم اگر مایه‌ی نیکی نشود، جهل است". تقارن معنایی و قافیه‌ی منطقی دارد. پس موسیقی فروغ از احساس درون می‌جوشد و موسیقی پروین از نظم عقلانی و سنت برمی‌خیزد. لحن و صدایی که فروغ دارد اعترافی، صمیمی، درونی و گاه شورشی است از یک زن تجربه‌گر عاشق و جستجوگر و عاصی و لذت‌برنده از عصیان! و اما پروین چرخ ادب، لحنی معلم‌گونه، خطابی، خردمندانه دارد که صدای زن دانا، پندآموز، مصلح و صبور که معاصر و در ساختار جامعه‌ای با فرهنگ به شدت مردسالار است. فروغ با ما هم‌نفس می‌شود و فاصله‌ی شاعر با شعر نزدیک است و هم‌حس با تجربه، پروین با ما سخن می‌گوید اما از منظر یک ناظر و داور اخلاقی دورتر. فروغ با تمرکز بر رهایی، قواعد را می‌شکند تا زندگی را بیان کند و پروین متمرکز بر خرد می‌ماند تا اصلاح کند.



سیمین بهبهانی ۱۳۰۶-۱۳۹۳

که شاید پلی میان جهان اخلاقی و سنت‌محور پروین و جهان فردی و جسور فروغ است او هم‌زمان از میراث کلاسیک شعر فارسی بهره می‌برد (چون پروین) و از جسارت، آزادی و صداقت درونی زن مدرن برخوردار است (چون فروغ).

اما سیمین در نهایت شخصیت مستقل خودش را دارد: شاعر عشق و وطن و انسانیت در بستر شعر اجتماعی و عاشقانه‌ی معاصر.

جایگاه و جهان‌بینی سیمین بهبهانی

سیمین بهبهانی زنی است از دل جامعه‌ی شهری مدرن (تهران قرن ۱۴ شمسی) که با وجود پایبندی به سنت‌های فرهنگی و زبانی، به آزادی زن، عدالت، عشق و میهن‌باوری ژرف باور دارد. او مانند فروغ، زن را به عنوان فاعل و صاحب احساس و اندیشه نشان می‌دهد، اما برخلاف فروغ، بیانش همیشه در چارچوبی اخلاقی و انسانی باقی می‌ماند. در عین حال، مانند پروین، آگاه به رنج مردم و مسائل اجتماعی است اما نه با لحن پندآموز، بلکه با بیانی شاعرانه و همدلانه.

شباهت‌ها و تفاوت‌های شعر سیمین با فروغ فرخزاد

از منظر نگاه به زن، هر دو زن را «فاعل تجربه» می‌دانند، نه مفعول. فروغ با شور و گاه عصیان فردی سخن می‌گوید، سیمین با متانت و وقار اجتماعی. از



گزارش از: دکتر فرهاد ملکی



به نام خداوند جان و خرد

انجمن فرهنگی کابورا
KABOURA CULTURAL
ASSOCIATION

گشایش انجمن فرهنگی کابورا در ملبورن

شاهنامه به فارسی زبانان استرالیا تاکید کردند. بنا به گفته دبیر انجمن، راه اندازی ورکشاپ‌های هفتگی کتاب، قلم و سخن بصورت حضوری در کتابخانه و یا به صورت آنلاین با هدف تقویت آگاهی‌های فرهنگی و هویتی از دیگر اهداف انجمن خواهند بود.

در این شب چند نفر از میهمانان ایرانی نیز مطالبی را جهت ادای احترام به این گروه فرهنگی تازه تاسیس به صورت سخنرانی و شعرخوانی بیان کردند از جمله خانم دکتر سونیا اصفهانی به نمایندگی از مجله گلبانگ شعر زیبایی را که به مناسبت این جشن سروده بود قرائت کرد که شدیداً مورد تشویق حاضرین قرار گرفت.

قابل ذکر است که کابورا برگرفته از یک نام اساطیری است، نام حکومتی که به تعبیر شاهنامه در شهر کابل بوده و حاکم آن مهرباب کابلی و همسرش سیندخت پدر و مادر رودابه، همسر زال و اجداد رستم، قهرمان اسطوره ای شاهنامه بودند.

گشایش گروه کابورا، آنان پیوسته روی گسترش زبان فارسی، کوشش برای شناخت بیشتر تاریخ مشترک ایران زمین، شامل ایران، افغانستان و تاجیکستان و تلاش مشترک برای آموزش



روز شنبه ۲۲ نوامبر انجمن فرهنگی کابورا با خوش آمدگویی استاد سلام سنگی و سپس سخنرانی شهردار و یک عضو کانسیل شهر دندونگ ملبورن در سالن مجلی در دندونگ رسماً شروع به فعالیت کرد.

در این جشن که توسط چهره‌های فرهنگی افغانستانی‌های مقیم ملبورن نظیر استاد سلام سنگی هنرمند شاخص و شاهنامه پژوه تاجیک، استاد علی یار شاعر برجسته، آقای فهیم سروری دبیر انجمن و جمعی از هنرمندان و علاقمندان به زبان و فرهنگ فارسی تشکیل شده بود، چند تن از شخصیت‌های فرهنگی ایرانی از جمله چهار نفر از شورای نویسندگان مجله گلبانگ و شخصیت‌هایی از گروه شاهنامه خوانی ملبورن و گروه شب شعر ملبورن نیز به عنوان مهمان دعوت داشتند.

هسته اصلی گروه فرهنگی کابورا شامل افرادی است که در چند سال گذشته برنامه شاهنامه خوانی دندونگ را هدایت می‌کردند و در شب

به نام خداوند جان و خرد

تقدیم به انجمن فرهنگی کابورا به مناسبت گشایش

“حسنّت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت
آری به اتفاق جهان میتوان گرفت”*

فرخنده اتفاق کابورا، که نوبر است
شادا شکفته گشت و ز غربت، خزان گرفت

نامش به شاهنامه روایت شده‌ست نیک
رودابه داده زال و یلش سیستان گرفت

نور خرد بهانه‌ی جمع سخنوری است
اهل هنر به روشنی‌اش در میان گرفت

استاد سنگی است درخت تناوری
در سایه‌سار مرحمتش جان توان گرفت

وقتی فهیم باشد و آیین سروری
“حاسد چگونه نکته تواند بر آن گرفت”*

هر کس گذاشت پا به چنین مجلسی، ببرد
آورد گر چه خرد، ولیکن کلان گرفت

پیوند پیر، بین تمامی ماست چون
هرگز نمیشود که ز ما این زبان گرفت

فرهنگ مشترک و زبانی که پارسی است
دور از زوال، زندگی جاودان گرفت

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
آهنگ این غزل شد و یکباره جان گرفت!

آری به لطف شعر و ادب گو میسر است
“از غم سبک برآمد و رطل گران گرفت”*

درباره شاعر:

دکتر سونیا صادقیان اصفهانی

پیشه: پژوهشگر و آنالیست

ساکن: ملبورن، استرالیا

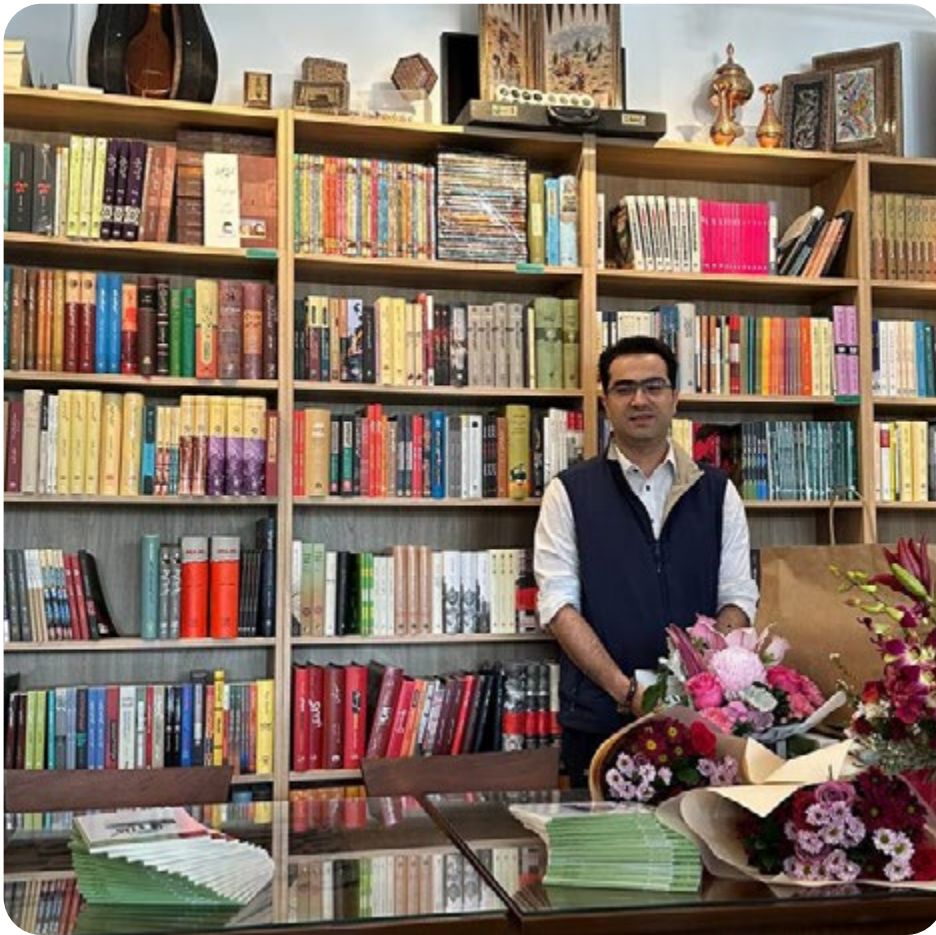
آثار چاپ شده: کتاب ابرهای زیر چتر، انتشارات نزدیکتر، ایران، ۲

* مطلع غزل و مصراع‌های تضمین شده از حضرت حافظ هستند که در
گیومه قرار داده شده‌اند.

رونمایی از مجموعه شعر «کلافگی» در کتابستان

به همراه مصاحبه با نویسنده مجموعه محمدرضا سبحانی

گردآوری: شوراى فصلنامه‌ی گلبن



می‌نوشتیم... یادم می‌آید روزگار دیرین کودکی، همه‌ی حیوانات جنگل را در یک سطل قرمز داشتیم. روزها آن‌ها را کنار هم می‌چیدم و برایشان قصه می‌بافتم. در دوران مدرسه با همراهی والدین و تشویق آن‌ها قصه می‌نوشتیم و زنگ انشا برایم مقدس بود. بچه‌های کلاس، کاراکترهای قصه‌ها و انشاهای من بودند. قصه‌هایی که طنز بود، سیاه بود، تخیلی و قرار بود که ترسناک هم باشد!

شعر و کتاب می‌خواندم و عاشق ادبیات بودم. دوستی گم کرده دارم از دوران ابتدایی که کنار من می‌نشست و کتاب هنک، سگ گاوچران را برایم هدیه آورد. اما شعر، یادم می‌آید دوم دبیرستان یا حدود شانزده ساله بودم که مولانا را جدی‌تر می‌خواندم. روزی در آن عالم جوانی و حیرت گفتم: «خدایا چه می‌شد من هم مثل او شعر بسرایم.»

چند دقیقه بعد شروع به نوشتن اولین شعرم در همان وزن مثنوی معنوی کردم. شبیه به نوعی الهام بود، احساس کردم که میتوانم بسرایم، گوش آشنا به شعر و ترانه، قصه و شهود هم به من کمک کرد. آن زمان البته که وزن اشعارم

زنده نگاه داشتن چنین اثر و کاری فرهیخته در غربت، دمیدن در آتش زخمی و نیمه‌جان فرهنگ است و بسیار دشوار.

اجازه دهید این پرسش ابتدایی را مختصر پاسخ دهم. محمدرضا سبحانی هستم، اهل شیراز و دلتنگِ عطر و هوایش. بهار و اردیبهشت و بهار نارنج، یک مهاجر و دورافتاده از وطن، در غربت (که البته هوایش به لطف «گلبنگ» و اهالی ادب و آشنایان آشنا و آشنایان ناآشنا، تحمل‌پذیرتر است). نقد که می‌کنم، نه از بابت امکانات و رفاه، که از بابت زبان، ریشه، فرهنگ و نزدیکی دل‌ها... حداقل دوست دارم اینگونه یاد کنم آنچنان که بودیم به این امید که هنوز باشیم. اینجا به کار روانشناسی مشغولم، شعر می‌نویسم؛ سپید و کلاسیک. کنجکاو کشفم؛ در هزارتوی روان آدم‌ها، در دردهای زمین و هر جای این زندگی که رازی نهفته باشد. تجربه را دوست دارم، چه تجربه کنم چه تجربه را بشنوم.

از چه سنی متوجه شدید که به شعر و سرودن آن تمایل دارید؟ چطور شروع شد اگر به خاطر می‌آورد!

من از کودکی به خاطر دارم قصه می‌گفتم و

بعد از ظهر هفتم دسامبر امسال، کافه کتابستان ملبورن میزبان جشن رونمایی از مجموعه شعر «کلافگی» اثر محمدرضا سبحانی بود. رویدادی فرهنگی که چون نسیمی لطیف میان عطر کتاب‌ها و صدای قهوه‌های تازه‌دم، دل‌ها را به تپش انداخت. در این عصر فرهنگی، شمیم واژه در فضا جاری شد و چون نوری در تاریکی روزمرگی درخشید و حضار را به تماشای جهان درونی شاعر فرا خواند؛ شاعری که در «کلافگی» به تاروپود احساس و اندیشه سر می‌زند و آن را به شکلی زیبا و بی‌پیرایه به خواننده می‌سپارد. این مراسم، با شعرخوانی و گفتگوهای صمیمانه، اجرای موسیقی زنده، سخنرانی و نقد دوستان ادیب و پژوهشگر و دستداران ادبیات برگزار شد. در این جشن، تعدادی از اعضای شورای سردبیری فصلنامه گلبنگ به منظور تهیه گزارش، مصاحبه با شاعر و ثبت تصویری این اتفاق حضور داشتند.

در ادامه مصاحبه با شاعر، دو نمونه از اشعار کتاب و تصاویری از این جشن تقدیم حضورتان می‌شود.

اجازه دهید با یک شرح کوتاه از زندگینامه‌ی خودتان شروع کنیم. از محمدرضا سبحانی چه می‌دانید؟

سلام و درود. قبل از همه چیز بسیار سپاسگزارم که این افتخار را نصیب بنده کردید که با شما و مجله ارزشمند گلبنگ گفتگو کنم. بی‌شک

شعرهای این مجموعه در چه بازه زمانی‌ای سروده شده‌اند؟ آیا محصول سال‌های اخیر هستند؟ زندگی در استرالیا (و دوری از ایران) چقدر روی حال و هوای شعرهای شما تاثیر گذاشته است؟

این شعرها همگی در ایران متولد شدند. گزیده‌ای است از کارهای سپید از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱.

غربت عجیب است، قصه‌ها دارد... انگار تولدی دیگر است اما با درد زایمانِ مداوم. مرور زمان است که می‌رود و تجربه‌ها جاریست. بیشتر شاید تلخ، حداقل در سال‌های بسیار ابتدایی! تلخی‌اش از جنس "فقدان" است؛ فقدان خانه، فقدان منظره‌های آشنا، و تماشای رنج سرزمین مادری از دور. اینکه بینی خانه‌ات در طوفان است و تو پشت پنجره‌ای در ساحل آرام اقیانوس آرام، خود کلافگی است. اما به مرور شاید زبان شعرم در ایده‌آل‌ترین حالت، شاید بتواند جهان شمول شود؛ منظوم از بُعد محتواسست. چرا که رنج آدمی، ترس از آینده‌ی زمین و غم نان و جان، مرز نمی‌شناسد.

آیا شعر خاصی در این کتاب هست که برای خودتان جایگاه ویژه‌ای داشته باشد یا داستان خاصی پشت آن باشد؟

حقیقت این است که همه این فرزندانم را دوست دارم. یک شعر کلاسیک اما هست که برایم جایگاهی ویژه دارد که آن را برای گلبنانگ خواهم فرستاد. مطلعش این است:

شیرین من دیر آمدی، عشق از دهان افتاد...

حمایت جامعه فرهنگی و هنری در ملبورن چه حسی به شما می‌دهد و تا چه میزان آن را در ایجاد انگیزه برای کارهای بعدی تان اثربخش میدانید؟

فکر می‌کنم خیلی شبیه به پیدا کردن یکی از تکه‌های گمشده‌ات است، همان تکه‌های شکسته کاشی که چندتاییش به هم می‌چسبد برای چندی هرچند کوتاه. مهاجرت مثل کنده شدن از مادر است. آدم در غربت حس می‌کند دارد تکه تکه می‌شود، پخش می‌شود... این جامعه هنری و دوستان، برای من حکم پناه دارد، یک نگهدارنده. ارتباط و نوازش نیاز ابتدایی بشر است، بیش از هر نیاز دیگری. ارتباطاتی

همان کلاف‌های در هم تنیده است. این کلافگی، روایت «اکنون» ماست. هم ما ایرانیان و اهالی خاورمیانه که سیاست و تاریخ، گره‌های کور بر زندگی مان زده، و هم کلافگی انسانِ مدرن است. در این زمانه که بین سنت و مدرنیته گیر افتاده‌ایم و سعی کردیم آشی درست کنیم از آن. ما کلافه‌ایم؛ در زندگی شخصی، در هویت، در این عصر گذار و سرعت. حتی «زمین» هم کلافه است؛ از زخم‌هایی که بر آن زده‌ایم، از هوایی که دیگر هوا نیست. ما پارسی زبانان هم، ما تکه‌تکه شده‌ایم؛ انگار کاشی شکسته‌ی اصفهانی که زیر پتکِ ناملایماتِ روزگار خرد شده و هر تکه‌اش جایی از این کره‌ی خاکی افتاده، حال اینکه ما ذاتاً «یک» بودیم و هستیم.

کلافگی شاید شرایط خاصی نیست و همه شرایط است، یک وضعیت وجودی است. گره‌ای که از درون ما آغاز می‌شود، به سیاست می‌رسد، به اجتماع، به طبیعت، به عمیق‌ترین ریشه‌ی زیست می‌رسد و دوباره به خودمان برمی‌گردد.

طراحی جلد با آن خطوط درهم‌تنیده خیلی با اسم کتاب هماهنگ است. این "کلافگی" بیشتر یک حس شخصی است یا اجتماعی؟

اینجا من ذوق زده باید با غرور از دوست همیشه‌ام تشکر کنم. دوستی‌ای که دوری راه‌ها هم نتوانست کمرنگش کند. طرح جلد اثر مهندس محمدمهدی جیزفهم دانشمندیان است. دوست هنرمندم، طراح، گرافیست، خطاط ممتاز و معمار. اهل خلاقیت است و فکر. تمام این ایده جلد از ایشان بود. خودشان نوشتند، خودشان کلافگی را هم با آن خطوط در هم تنیده و کشیده، «کلافه» کردند، رنگ زدند و همه چیز. واقعا از او ممنون هستم. فکر می‌کنم یکی از کارهای ماندگار دوست عزیزم مهدی هم صفحه اینستاگرام «شجریان گرافی» باشد که در آن موسیقی و آواز با خط ترکیب شده است.

اگر بخواهید این مجموعه شعر را در یک جمله برای کسی که هنوز آن را نخوانده توصیف کنید، چه می‌گویید؟

زندگی دایره است، همه ما رنج‌گریبی که برای دیگری آشناست را جایی می‌کشیم، شاید نه به شدت درد دیگری، اما با طعمی یکسان. امیدوارم در هر کجای این دایره هستی تو را در این کتاب ملاقات کنم...

برخی اوقات می‌شکست چون با عروض آشنا نبودم، اما به تدریج مطالعه کردم و تمرین. این‌گونه بود که کوشش هم به جوشش شاعرانه اضافه شد.

محمدرضا سبحانی شاعر، به مرور زمان بیشتر چه سبک شعرهایی خوانده و از چه شعرایی بیشتر اثر گرفته است؟

من ابتدا بسیار کلاسیک‌گرا بودم؛ زیستم در جهان قدما می‌گذشت و کارم کشف آن‌ها بود. مولانا و حافظ، سعدی و شاعرانی که کمتر شناس بودند.

به تدریج که پا به سن می‌گذاشتم انگار تاریخ شعر را هم مرور می‌کردم و جلو می‌آمدم. فروغ خواندم، شاملو، اخوان، و بعدتر هم شاعران معاصرتر؛ گروس عبدالملکیان، حامد ابراهیم‌پور، بانو آریا صدیقی و خیلی‌های دیگر که همگی عالی بودند و هستند.

شعر جهان را هم نباید فراموش کنم، از همسایه تا دوردست. شعر عرب و شعر کورد، شیرکو بی‌کس. ترانه‌های خارجی را هم؛ ژاک پرهور، ژاک برل، پل آنکا و هزاران دیگر. ترانه‌سرایان فرانسوی و آن نسل دهه شصت میلادی برایم شگفت‌انگیز بودند؛ به زعم من شهیار قنبری نیز از تبار همان‌هاست. کسانی که خود می‌نوشتند، خود آهنگ می‌ساختند و خود می‌خواندند؛ مولف بودند و البته که چه خوب مولفی.

از حق ترانه هم نباید بگذرم، همیشه ترانه‌های خوب را گوش سپردم. شعر خوب و موسیقی خوب. ایرج جنتی عطایی، اردلان سرفراز، و اسماعیل نواب صفا با... تلفیق موسیقی‌دانان برجسته، صادق نوجوکی، بابک بیات و...

از همه آن‌هایی که گفتم بی‌شک تاثیر گرفته‌ام. اما سعی کردم سخنی تازه بنویسم یا سخنی را جامه‌ای نو بپوشانم. میان همه شاعران، در «اکنون» من، مهدی اخوان ثالث جایگاهی ویژه دارد. در او همه چیز هست، حتی بسیاری از آن رویایی‌ترین استعاره‌ها که در ترانه‌های ابی، داریوش و ستار می‌شنویم هم ابتدا کار او بوده است.

اسم کتاب خیلی خاص و جلب توجه‌کننده است: "کلافگی". چرا این اسم را انتخاب کردید؟ آیا به شرایط خاصی اشاره دارد؟

ممنونم از توجه شما. «کلافگی» استعاره‌ای از



که جنسش نوازش باشد، آنجاها پیدا می‌شود. هنر، ارتباط واقعی می‌سازد، عمیق است، یعنی به قول دنیای امروز، نتوورک نیست، شبکه‌سازی نیست. وقتی شعر می‌خوانم، آن‌ها می‌فهمند یعنی هم می‌فهمند هم حس می‌کنند! این حس کردن مهم است. انگار تکه‌های ما را دوباره به هم می‌چسبانند. این حمایت فقط تشویق نیست، برای من انگیزه ماندن است، که گم نشوم و اینکه بنویسم.

چالش شما به عنوان شاعر در مسیر چاپ کتاب چه بود و آیا توصیه‌ای برای دیگرانی که اینجا حضور و قصد چاپ کتابشان را دارند، دارید؟

به نظر من هر کسی ارزش شنیده شدن دارد. کتاب هر کسی نیز همین گفتن و شنیده شدن است، خواه سروده باشد، خواه داستان یا متن بلند. اگر به یک اندازه‌ی «به اندازه کافی خوب» برسیم، چاپ آن ارزش بسیار دارد. اینکه می‌گویم «به اندازه کافی خوب»، این اصطلاح را از وینیکات، روانپزشک و روانکاو کودک وام می‌گیرم که درباره مادران آن را به کار برد؛ مادر ایده‌آل و مادر به اندازه کافی خوب. وینیکات باور داشت که «مادر به اندازه کافی خوب» است که کودک را عاقبت‌بخیر می‌کند، نه مادر ایده‌آل. به بیانی دیگر، برای زندگی کردن چرا خودمان را نبخشیم و سرزنش را متوقف نکنیم؟ از این پراکنده‌گویی بگذریم، برای انتشار سخت‌گیر باشید اما به اندازه کافی! به دنبال ایده‌آل نباشید که سقفی دارد بی‌انتهای و نرسیدنی. انتشار در انتشاراتی که در ایران باشد خوب است که مخاطب بیشتری را به نویسنده اعطا می‌کند، اما سختی گریز از تیغ سانسور هم دارد. اگر امکانش نیست یا حوصله‌اش نیست، باز هم خود را متوقف نکنید. با یک انتشاراتی معتبر فارسی زبان در خارج از کشور قرارداد ببندید. انتشارات معتبر را شخصا ترجیح می‌دهم که دیده شدن و خوانده شدن را هموارتر می‌کند. اینکه می‌گویم دیده شدن، نه از باب دیده شدن به هر طریقی؛ هنرمند با هنردوست زنده است. اثر با بیننده، خواننده یا شنونده. همه ما به طریقی عاشق دیده شدن هستیم، دیده شدن هم نیاز طبیعی آدمی است.

نکته دیگری هم بگویم، در استرالیا فکر می‌کنم

اشتراک می‌گذارند یا می‌نویسند هم کم نیست. به نظر من گروهی باید این صفحات و اشعار بهتر را معرفی کنند، یا شاعران بزرگ امروزمان نیز به معرفی صفحات شاعرین دیگری که استانداردهای لازم را دارند بپردازند. این خوب است که آثار آن‌ها را که دوست می‌داریم دنبال کنیم، با آن‌ها در ارتباط نزدیکتری باشیم، اما حتماً که باید نقد آن‌ها (منظور اثر آن‌ها) را هم دنبال کنیم یا از دیگری بپرسیم. فکر می‌کنم شبکه‌های اجتماعی جایی شده تا کلکسیون جمع کنیم. پس اگر اینگونه نگاه کنیم، بهتر است از خودمان بپرسیم من دارم چه محصولی را مصرف می‌کنم؟ چه را کلکسیون می‌کنم؟

دوست دارید مخاطب وقتی کتاب را می‌بندد، چه حسی یا فکری در ذهنش باقی مانده باشد؟

اتفاقی که جناب کیارستمی با فیلم دوست می‌داشت برای مخاطبش رقم بزند. دوست دارم مخاطب نیز هر شعری را که می‌خواند، شعر در ذهنش تمام نشود، به آن بیانیدیش،

انتشاراتی پارسی زبان وجود داشت که گمان می‌کنم دیگر نیست یا بسیار کم‌رنگ شده. پیشنهاد می‌کنم عزیزان متخصص، به تاسیس یک انتشارات خوب فارسی زبان در استرالیا بیانیدیشند و البته برای معتبر شدنش در جامعه جهانی نیز تلاش کنند. اگر اینگونه شروع کنند، چرا نه که همینجا در وطن دوم (اگر که بالاخره البته حس وطن بدهد). اثر را منتشر نکنیم؟ فراموش نکنیم که نوشتن، خود نوعی مقاومت است علیه فراموشی و نوعی کنش.

تاثیر شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام، فیس‌بوک و ... را بر شعر معاصر ایران چگونه می‌بینید؟

حقیقت که این شبکه‌ها شمشیری دولبه است. اول اینکه ما نیز بهتر است با این مدرن شدن قدم برداریم و مدرنیته را در هنرمان ترکیب کنیم؛ منظوم هنر مدرن نیست، دنیای مدرن است، زبان مدرن. فکر می‌کنم همانقدر که صفحات مستقل وجود دارد که شعر زرد می‌نویسند، صفحاتی که شعر خوب هم به

کلاسیکم را گزیده و کتاب کنم... و بعد امید که چشمه‌ی شعرم در غربت هم بجوشد و آن قدر راضی از آن‌ها باشم که گزیده و چاپشان کنم. و در نهایت، شاید واقع‌بینانه‌ترین امید این باشد که در این دنیای پر از هیاهو و کلافگی، روایت کنیم، که همین روایت کردن و نوشتن، شاید راه ماندن باشد.

رسیدن به کشف خود. امید که چنین باشد و مخاطب در آینه این شعرها، تکه‌ای از «خود» را پیدا کند.

سوال پایانی؛ بعد از انتشار "کلافگی"، آیا پروژه بعدی یا کتاب دیگری در دست نوشتن دارید؟

در زمینه ادبیات، امیدوارم که شعرهای

برگردد دوباره بخواند، کشف کند. باز چیز جدید و تازه‌ای کشف کند، و در نهایت کشف کند خودش را. این‌ها را جناب کیارستمی درباره فیلم گفته بود. برای هر هنری همین است. این خواست من برای هر شعری است نه تنها شعری که از من است. همچنین اینکه، شعر شاید یک میانبر است برای

هر بار که از خواب بیدار می‌شوم،

تخت‌خواب را خوب می‌گردم

همیشه چیزی وجود دارد که یادش رفته به خواب بگردد،

مثلاً همین موی بلند خرمایی که موی من نیست...

نمی‌دانم این عادت را

قلمم از ساعت آموخته

یا ساعت از قلمم

که هر گاه در آغوشت می‌کشم،

هم ساعت‌ها

هم قلمم

هر دو تندتر می‌تپند...





Migrant Information Centre

Living in Australia



Online program for the Iranian and Farsi speaking communities

زندگی در استرالیا، برنامه آنلاین برای جامعه ایرانی و فارسی زبانان

JOIN OUR 5-WEEK PROGRAM DESIGNED TO HELP YOU BETTER UNDERSTAND AUSTRALIAN CULTURE, CITIZENSHIP, DEMOCRACY AND MULTICULTURALISM.

WHEN

Every Thursday
25 September – 23 October 2025
5:30 – 7:30pm

REGISTER

Please contact
Houra Zare Lavassani

(03) 7049 1600 or 0401 511 738
hzare@miceastmelb.com.au
www.miceastmelb.com.au

با ما همراه شوید در ۵ جلسه‌ی آموزشی پربار برای آشنایی بیشتر با فرهنگ استرالیا، حقوق شهروندی، دموکراسی و زندگی در یک جامعه چندفرهنگی

زمان

هر پنج‌شنبه
25 September – 23 October 2025
5:30 – 7:30pm

ثبت‌نام:

لطفاً با هورا زارع
لواسانی تماس بگیرید
(03) 7049 1600 or 0401 511 738
hzare@miceastmelb.com.au
www.miceastmelb.com.au



Department of Foreign Affairs and Trade
Funded by the Australian Government Department of Home Affairs and Trade through the Settlement Engagement and Transition Support Program.



Migrant Information Centre in partnership with the Australian-Iranian Society of Victoria



برنامه «زندگی در استرالیا»

همکاری کانون ایرانیان ویکتوریا و سازمان MIC

گردآورنده: هورا زارع

در راستای حمایت از روند اسکان مهاجران تازه وارد و همبستگی اجتماعی، از تاریخ بیست و پنجم سپتامبر کانون ایرانیان ویکتوریا دوره پنج هفته‌ای «زندگی در استرالیا» را با همکاری ام آی سی برای جامعه فارسی‌زبان برگزار کرد.

اهداف و محتوای آموزشی برنامه

این دوره با هدف افزایش سطح آگاهی شرکت‌کنندگان نسبت به ساختارهای اجتماعی، حقوقی، فرهنگی و سیاسی استرالیا طراحی شد و موضوعات زیر را در بر گرفت:

تاریخ مردمان بومی استرالیا

معرفی ریشه‌های فرهنگی و تاریخی مردمان بومی، جایگاه آنان به عنوان صاحبان اصلی سرزمین، و اهمیت احترام به کشور در تعاملات اجتماعی

تاریخ مهاجرت به استرالیا

بررسی سیر تحول مهاجرت، نقش جوامع مهاجر در توسعه کشور، و جایگاه مهاجران در جامعه چند فرهنگی امروز

حقوق و مسئولیت‌های شهروندی

آشنایی با حقوق مدنی، تعهدات قانونی، و نقش افراد در حفظ نظم و مشارکت اجتماعی دموکراسی در استرالیا، معرفی ساختار دموکراتیک کشور، فرایندهای تصمیم‌گیری، و

اهمیت مشارکت عمومی در حاکمیت

ساختار حکومت - توضیح سطوح مختلف حکومت (فدرال، ایالتی و محلی)، نقش نهادهای اجرایی و قانون‌گذاری، و سازوکار انتخابات زندگی در جامعه چند فرهنگی احترام به نوع فرهنگی، و فرصت‌های مشارکت اجتماعی و

مسیرهای گرفتن شهروندی در استرالیا - ارائه اطلاعات درباره شرایط، مراحل و منابع موجود برای درخواست اقامت دائم و شهروندی

میزان مشارکت و بازخورد شرکت‌کنندگان

در هر جلسه به‌طور میانگین ۲۰ نفر حضور یافتند و مشارکت فعال آنان نشان‌دهنده نیاز

واقعی جامعه به دسترسی به چنین اطلاعات پایه‌ای و کاربردی بود. شرکت‌کنندگان از شفافیت مطالب، ارائه ساختاریافته اطلاعات و فضای مناسب برای طرح پرسش‌ها ابراز رضایت کردند.

اجرای دوره «زندگی در استرالیا» گامی مؤثر در توانمندسازی جامعه ایرانی تازه وارد می‌باشد و موجب تقویت دانش، اعتمادبه‌نفس و حس تعلق شرکت‌کنندگان به جامعه استرالیا خواهد شد. این برنامه نمونه‌ای موفق از همکاری سازنده میان دو سازمان کانون ایرانیان ویکتوریا و ام آی سی محسوب می‌شود و دو سازمان در نظر دارند برنامه‌های آموزشی بیشتری را در آینده ارائه کنند



شب یلدا

گردآوری: شورای فصلنامه‌ی گلپانگ

می‌شد که خود به معنای «سرد» است و این به معنی بشارت پیروزی اهورامزدا بر اهریمن و روشنی بر تاریکی است. در برهان قاطع ذیل واژه «یلدا» چنین آمده است:

«یلدا شب اول زمستان و شب آخر پاییز است که اول جدی و آخر قوس باشد و آن درازترین شب‌هاست در تمام سال و در آن شب یا نزدیک به آن شب آفتاب به برج جدی تحویل می‌کند.» تاریکی نماینده اهریمن بود و چون در طولانی‌ترین شب سال تاریکی اهریمنی بیشتر می‌یابد، این شب برای ایرانیان نحس بود. با فرا رسیدن این شب، مردم آتش می‌افروختند تا تاریکی و عاملان اهریمنی و شیطانی نابود شوند و بگریزند. مردم گرد هم جمع شده و شب را با خوردن، نوشیدن، شادی و پایکوبی و گفت‌وگو به سر می‌آوردند و خوانی ویژه می‌گستراندند که در آن میوه‌های تازه فصل و میوه‌های خشک نهاده می‌شد.

سفره شب یلدا «میژد» (Myazd) نام داشت و شامل میوه‌های تر و خشک و همچنین آجیل بود که زرتشتیان آن را «لُک» (Lork) می‌نامیدند. این جشن و ولیمه به افتخار و ویژه اهورامزدا و مهر یا خورشید برگزار می‌شد. در آیین‌های ایران باستان، برای هر مراسم جشن و سرور آیینی، خوانی می‌گستراندند که بر آن افزون بر آلات نیایش مانند آتشدان، عطردان، بخوردان و برسَم، خوراک‌های گوناگون و مقدس نیز نهاده می‌شد.

(بیست روز) است. واژه چله برگرفته از چهل (معین، ذیل واژه) و مخفف گذشت یک دوره زمانی معین است و نه الزاماً نشان‌دهنده یک دوره دقیق چهل‌روزه.

جشن‌ها و آیین‌هایی که در این شب برگزار می‌شود، سنتی باستانی است. مردم روزگاران دور که کشاورزی بنیان زندگی آنان را تشکیل می‌داد، در طول سال و با سپری شدن فصل‌ها و تضادهای طبیعی، بر اثر تجربه و گذشت زمان توانستند خود را با کوتاهی و بلندی روز و شب، گردش خورشید و تغییر فصول هماهنگ کنند. آنان ملاحظه می‌کردند که در بعضی ایام و فصول، روزها بسیار بلند می‌شود و در نتیجه از روشنایی و نور خورشید بیشتر می‌توانستند استفاده کنند.

از همین رو این اعتقاد پدید آمد که نور و روشنایی و تابش خورشید نماد نیکی است و با تاریکی و ظلمت شب در کشمکش است. مردم دوران باستان، از جمله اقوام آریایی هند و ایرانی - هند و اروپایی، دریافتند که کوتاه‌ترین روزها آخرین روز پاییز و شب اول زمستان است و بلافاصله پس از آن، روزها به تدریج بلندتر و شب‌ها کوتاه‌تر می‌شود. از همین رو آن را شب زایش خورشید (مهر) نامیدند و آن را آغاز سال قرار دادند.

کریسمس مسیحیان نیز ریشه در همین اعتقاد دارد. در فرهنگ کهن اوستایی، سال با فصل سرد شروع می‌شد و مفهوم «سال» در اوستا با واژه Sareda یا Saredha («سرد») بیان

شب یلدا یا شب چله یکی از کهن‌ترین جشن‌های ایرانی است. در این شب، طی شدن بلندترین شب سال و به دنبال آن بلندتر شدن طول روزها در نیم‌کره شمالی، که مصادف با انقلاب زمستانی است، گرمی داشته می‌شود. یلدا به زمان بین غروب آفتاب ۳۰ آذر (آخرین روز پاییز) تا طلوع آفتاب اول ماه دی (نخستین روز زمستان) گفته می‌شود. خانواده‌های ایرانی در شب یلدا معمولاً شامی فاخر و همچنین انواع میوه‌ها و رایج‌تر از همه هندوانه را مهیا کرده و دور هم صرف می‌کنند. پس از صرف تنقلات، قصه‌گویی پیرترها برای دیگر اعضای فامیل و همچنین فال‌گیری با دیوان حافظ رایج است. در لرستان به شب یلدا (چله)، «شو اول قاره» (قاهره) می‌گویند.

«یلدا» برگرفته از واژه سیرانی و به معنای «زایش» و «تولد» است. ابوریحان بیرونی از این جشن با نام «میلاد اکبر» یاد کرده و منظور از آن را «میلاد خورشید» دانسته است. در آثارالباقیه بیرونی، ص ۲۵۵، از روز اول دی‌ماه با عنوان «خور» نیز یاد شده است و در قانون مسعودی نسخه موزه بریتانیا در لندن «خُره‌روز» ثبت شده، اگرچه برخی منابع دیگر آن را «خرم‌روز» نامیده‌اند.

در گاه‌شمارانه، در طول یک سال خورشیدی با «چله» دو موقعیت در کارکردهای فرهنگ عامه وجود دارد؛ یکی در آغاز تابستان (تیرماه) و دیگری در آغاز زمستان (دی‌ماه)، که هر یک متشکل از دو بخش بزرگ (چهل روز) و کوچک

تغذیه و سلامت روان در دوران مهاجرت

نویسنده: دکتر میترا زرانی - متخصص تغذیه

(Accredited Practising Dietitian, Australia)



در دوران مهاجرت، فشار روانی و تغییر سبک زندگی می‌تواند این تعادل را برهم بزند، اما تغذیه مناسب می‌تواند بخشی از این فشار را کاهش دهد.

چالش‌های تغذیه‌ای پس از مهاجرت

پس از ورود به استرالیا، بسیاری از مهاجران با موارد زیر روبه‌رو می‌شوند:

۱. تغییر ساعت‌های کاری و الگوی وعده‌ها
روزهای شلوغ باعث می‌شود صبحانه حذف و فست‌فود جایگزین وعده‌ی خانگی شود.
۲. دسترسی به غذاهای جدید و سردرگمی در انتخاب
تنوع زیاد محصولات در سوپرمارکت‌ها گاهی باعث انتخاب‌های ناسالم می‌شود.
۳. کاهش فعالیت بدنی
به دلیل کار زیاد، دوری از خانواده و فقدان زمان آزاد.
۴. احساس دلتنگی غذایی (**Food Homesickness**)
جا افتادن غذاهای ایرانی زمان‌بر است و جایگزین‌های ناسالم راحت‌تر در دسترس‌اند.

راهبردهای کاربردی برای سازگاری با فرهنگ غذایی جدید

۱. مهارت در خواندن برچسب مواد غذایی
به این موارد دقت کنید:
 - ◆ Sugar < 5g
 - ◆ Low Sodium / Salt < 120mg
 - ◆ High Fibre > 3g
 - ◆ واژه‌های همراه‌کننده مثل Natural یا Lite همیشه سالم نیستند.
۲. ترکیب هوشمندانه غذای ایرانی و استرالیایی
 - ◆ عدس‌پلو با برنج قهوه‌ای
 - ◆ دلمه با سبزیجات بیشتر و گوشت کمتر
 - ◆ کشک‌بادمجان با روغن کمتر و نان سبوس‌دار
 - ◆ سبزی‌پلو با ماهی سالمون
۳. یک صبحانه سالم و آرام‌بخش

مهاجرت فقط جابه‌جایی از یک کشور به کشور دیگر نیست؛ جابه‌جایی هویت، فرهنگ، روابط، و سبک زندگی است. این تغییر بزرگ می‌تواند بر سلامت جسم و روان تأثیر بگذارد، به‌ویژه زمانی که فرد از شبکه‌های حمایتی، غذاهای آشنا و ریتم روزمره‌ی گذشته فاصله می‌گیرد. در چنین شرایطی، تغذیه می‌تواند نقش یک ستون حمایتی را ایفا کند. ستونی که کمک می‌کند ذهن و بدن در مسیر سازگاری قرار گیرند.

ارتباط عمیق تغذیه و سلامت روان

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که:

- ◆ ۹۰٪ سروتونین (هورمون شادی و آرامش) در روده ساخته می‌شود؛ یعنی سلامت روده مستقیماً بر خلق‌و‌خو اثر دارد.
- ◆ رژیم‌های غذایی سرشار از غذاهای فرآوری‌شده، قند و چربی‌های ترانس می‌توانند التهاب بدن و مغز را افزایش دهند.
- ◆ از سوی دیگر، مواد مغذی مانند امگا-۳، ویتامین‌های گروه B، پروبیوتیک‌ها، منیزیم، زینک و آنتی‌اکسیدان‌ها باعث تقویت خلق، تمرکز و انرژی می‌شوند.



چگونه تغذیه می‌تواند از افسردگی و اضطراب جلوگیری کند؟

رژیم‌های ضدالتهاب به کاهش علائم اضطراب کمک می‌کنند:

- ◆ سبزیجات رنگی
- ◆ زردچوبه و زنجبیل
- ◆ چای سبز
- ◆ روغن زیتون
- ◆ آجیل و دانه‌ها
- ◆ پروبیوتیک‌ها کیفیت خلق و خواب را بهبود می‌دهند:
- ◆ ماست پروبیوتیک
- ◆ کامبوچا
- ◆ کیمچی
- ◆ کفیر
- ◆ مصرف منیزیم و امگا-۳:
- ◆ کمبود این دو ماده می‌تواند تحریک‌پذیری، افسردگی و سردرد را تشدید کند. منابع:
- ◆ منیزیم: بادام، اسفناج، عدس
- ◆ امگا-۳: سالمون، تن، گردو، تخم‌کتان

حفظ تعادل، راز سلامت در زندگی جدید

مهاجرت دوره‌ای از یادگیری، سازگاری و بازسازی هویت است. تغذیه سالم نه تنها بدن را تقویت می‌کند، بلکه ذهن را برای عبور از چالش‌های جدید آماده می‌کند.

این تعادل از همین انتخاب‌های کوچک روزمره شکل می‌گیرد:

- ◆ یک صبحانه سالم
 - ◆ یک چای زعفران
 - ◆ یک پیاده‌روی کوتاه زیر آفتاب
 - ◆ یک تماس با خانواده یا دوست
- همین‌ها هستند که سلامت روان مهاجر را می‌سازند و احساس امید، انرژی و آرامش را تقویت می‌کنند.

جمع‌بندی

- ◆ غذا فقط انرژی نیست؛ بخشی از هویت ماست.
- ◆ تغذیه سالم می‌تواند از اضطراب، افسردگی و خستگی ذهنی جلوگیری کند.
- ◆ سازگاری با سبک زندگی جدید، از غذا شروع می‌شود- غذایی که هم از فرهنگ ما می‌آید و هم با محیط جدید سازگار است.
- ◆ هر انتخاب کوچک غذایی، قدمی است به سوی سلامت، آرامش و موفقیت در کشور جدید.



- ◆ نان سبوس‌دار + پنیر کم‌چرب + گردو + چای زعفران
 - ◆ اوتمیل با دارچین + میوه + تخم‌کتان
 - ◆ ماست یونانی + توت‌فرنگی + عسل کم
- این ترکیب‌ها قند خون را متعادل کرده و اضطراب صبحگاهی را کاهش می‌دهند.

۴. مدیریت هوشمندانه فست‌فود

اگر نمی‌توان حذف کرد:

- ◆ پیتزای سبزیجات، نازک، با پنیر کمتر
 - ◆ ساندویچ مرغ گریل شده به جای سوخاری
 - ◆ نوشیدنی بدون قند یا آب معدنی
۵. تغذیه برای مدیریت استرس مهاجرت
- غذاهایی که به آرامش و خواب کمک می‌کنند:
- ◆ زعفران
 - ◆ بادام
 - ◆ موز
 - ◆ جودوسر
 - ◆ سبزیجات برگ‌سبز
 - ◆ ماهی سالمون
 - ◆ چای بابونه

۶. تقویت شبکه اجتماعی از طریق غذا

طلای پنهان مهاجرت همین است:

- ◆ دعوت دوستان جدید به چای ایرانی
- ◆ پخت غذای ایرانی برای همسایه‌ها
- ◆ شرکت در کلاس‌های آشپزی محلی

این فعالیت‌ها حس تعلق، ارتباط و هویت فرهنگی را تقویت می‌کنند.

۷. نور آفتاب و ویتامین D

کمبود ویتامین D در مهاجران بسیار شایع است.

- ◆ روزی ۱۰ تا ۱۵ دقیقه پیاده‌روی صبحگاهی
- ◆ مصرف ماهی سالمون، تخم‌مرغ، قارچ
- ◆ در صورت لزوم، مکمل با نظر پزشک

من همونم

من همونم که اگه
دلت گرفت سنگ صبورم واسه تو

اگه تاریکیه شب راهتو زد
پیشه پات یه پارچه نورم واسه تو

پلای پشت سرت اگر شکست
پیش روت راه عبورم واسه تو

اگه غم رو شونه‌هات سنگینی کرد
غمت و میخرمش به اعتبارم واسه تو

اگه خستگی نشست روی تنت
بندازش رو دوش من که سایه سارم واسه تو

اگه چینی غرورت یه ترک خورد یه روز
پشتتم، کوه غرورم واسه تو

اگه سنگ نارفیق زد به دلت
سند قلب بلورم واسه تو

تو اگه خواستی که صد ساله بشی
باقیه هر چی که عمرم واسه تو

اگه خوش بودی من و یادت نبود
من همیشه یادتم هر چی که دارم واسه تو

درباره شاعر:

فرشید کاظمیان

ساکن: ملبورن، استرالیا



محلی برای دیده شدن
کسب و کار شما

گلبانگ

فرصت طلایی تبلیغات در نشریه

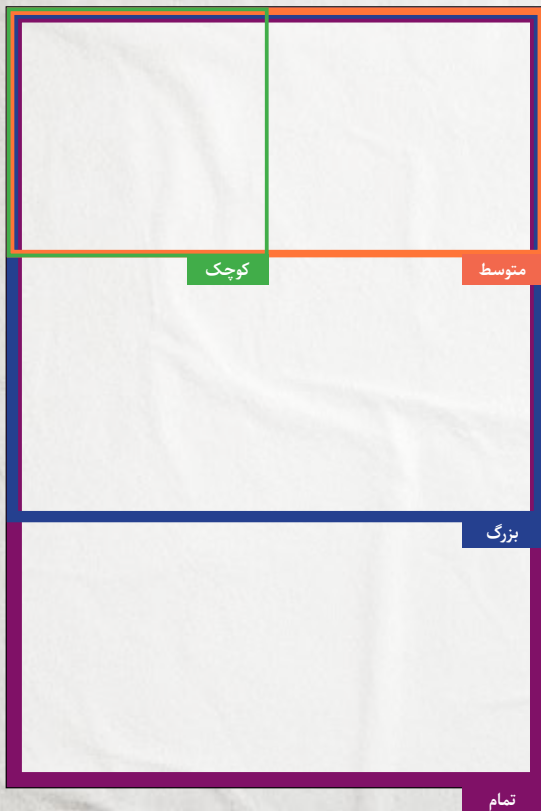
آیا می خواهید پیام و خدمات خود را به جامعه های فعال، متنوع و اثرگذار معرفی کنید؟

نشریه گلبانگ، منتشر شده توسط کانون ایرانیان ویکتوریا پلی مطمئن برای ارتباط شما با هزاران نفر از اعضا و دنبال کنندگان وفادار ما هست. با حضور در نشریه گلبانگ، شما امکان بهره مندی از مزایای زیر را خواهید داشت:

- ◆ نشریه گلبانگ با بیش از ۵,۰۰۰ عضو و دنبال کننده فعال در شبکه های اجتماعی ما، فرصتی ارزشمند برای معرفی خدمات، محصولات، رویدادها و برنامه های شما فراهم می آورد.
- ◆ پلتفرم های اجتماعی ما به طور میانگین بیش از ۳۰,۰۰۰ بازدید و تعامل در هر دوره دارند، که فرصتی منحصر به فرد برای دیده شدن پیام شما فراهم می کند.
- ◆ ارتباط با جامعه های گسترده و چندفرهنگی که به دنبال خدمات و اطلاعات ارزشمند هستند و استفاده از زبان فارسی، انگلیسی یا هر دو برای انتقال بهتر پیام شما. برای کسب اطلاعات بیشتر و هماهنگی، لطفاً با ما تماس بگیرید:

golbang@aisov.org.au

با گلبانگ دیده شوید، در ذهن ها بمانید و تأثیرگذار باشید!



Format: PDF (All fonts converted)/JPG/TIFF
High Resolution: Vector graphics/300dpi Images

هزینه طراحی (در صورت نیاز)	هزینه برای درج در چهار شماره	هزینه برای درج در دو شماره	ابعاد به میلیمتر		اندازه آگهی (نسبت به کاغذ A4)
			عرض	طول	
۵۰ دلار	۳۵۰ دلار	۲۰۰ دلار	۱۰۵	۹۹	کوچک ۱/۴
۵۰ دلار	۴۵۰ دلار	۲۵۰ دلار	۲۱۰	۹۹	متوسط ۱/۲
۱۰۰ دلار	۸۰۰ دلار	۴۵۰ دلار	۲۱۰	۱۹۸	بزرگ ۳/۴
۱۰۰ دلار	۱۸۰۰ دلار	۱۰۰۰ دلار	۲۱۰	۲۹۷	تمام ۱
۱۰۰ دلار	۹۰۰ دلار	۵۰۰ دلار	۱۹۰	۲۶۰	گزارش آگهی (تمام صفحه)



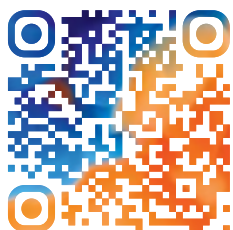
فرمت ارسال مقالات

راهنمای ارسال مقالات برای انتشار در مجله

- ◆ عنوان مقاله:
- ◆ فونت Roman New Times - اندازه 16 - پررنگ
- ◆ نام و نام خانوادگی نویسنده
- ◆ (فونت Roman New Times - اندازه 12 - پررنگ)
- ◆ آدرس پست الکترونیک نویسنده
- ◆ (10 - Roman New Times - pt)
- ◆ مقدمه
- ◆ (فونت Roman New Times - اندازه 12 - پررنگ)
- ◆ متن اصلی مقاله
- ◆ (فونت Roman New Times - اندازه 12 - پررنگ)
- ◆ منابع
- ◆ (فونت Roman New Times - اندازه 12 - پررنگ)
- ◆ مقالات باید در قالب نرم افزار مایکروسافت وورد (MS-Word) ارسال گردند.
- ◆ منابع در انتهای مقاله می‌آیند.
- ◆ لطفا نیم فاصله را در تایپ مقاله در محیط ورد با کلید ترکیبی **Shift + Ctrl + 2** رعایت فرمایید.
- ◆ **نکات مهم در ارسال مقالات**
- ◆ در ارسال مقالات برای انتشار در مجله به این مطلب توجه داشته باشید که «گلبانگ» مجله‌ای است که توسط نویسندگان و متخصصان فارسی زبان ویکتوریا و استرالیا برای مخاطب عام (افراد و خانواده‌ها در گروه‌های سنی مختلف شامل کودکان، نوجوانان، جوانان، میانسالان و سالمندان) ساکن ایالت ویکتوریا و استرالیا منتشر می‌شود.
- ◆ مقالات دریافتی در یکی از گروه‌های ذیل منتشر خواهد شد:
- ◆ خانه و خانواده (آشنایی با قوانین و مقررات حقوقی، سبک‌های زندگی و ...)
- ◆ اقتصاد و تجارت (کاریابی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینی، خرید خانه و ...)
- ◆ دانش و تکنولوژی (نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط فارسی زبانان استرالیا و ...)
- ◆ تاریخ ایران و استرالیا (با هدف آشنایی مهاجران تازه
- وارد با تاریخ استرالیا و تاریخچه مهاجرت و فعالیت‌های سازمان‌های مردم نهاد و غیر دولتی و همچنین شناساندن تاریخ کشورهای فارسی زبان به نسل جدید فارسی زبانان متولد استرالیا)
- ◆ مناسبت‌ها و رویدادها (معرفی مناسبت‌های ایرانی و گزارش مراسم‌های برگزار شده در ویکتوریا)
- ◆ فرهنگ، هنر و ادبیات (شعر و داستان)
- ◆ گزارش‌های ویژه (نمایشگاه‌ها و مراسم‌های برگزار شده توسط جامعه فارسی‌زبان)
- ◆ حقوق بشر
- ◆ از میان مقالات ارسالی به نشریه، مقاله‌ای انتخاب و چاپ می‌شود که قبلا در سایر مجالت علمی (فارسی یا سایر زبان‌ها) منتشر نشده و در صورت نیاز دارای منبع و استناددهی دقیق باشد.
- ◆ مسئولیت نهایی محتوای کامل مقاله ارسالی بر عهده نویسنده است.
- ◆ اعلام صریح نویسنده (گان) مبنی بر صحت و اصالت مقاله، فقدان سرقت علمی و چاپ در سایر نشریات.
- ◆ **مواردی از مصادیق رفتار غیر اخلاقی انتشاراتی:**
- ◆ جعل داده‌ها (Fabrication): گزارش مطالب غیر واقعی و ارائه داده‌ها یا نتیجه‌های ساختگی
- ◆ سرقت علمی (Plagiarism): اقتباس نزدیک افکار و عبارات نویسندگان دیگر، کپی‌برداری در بیان اندیشه‌ها، شباهت‌های ساختاری در نوشتار یا انتساب ایده‌ها و نتایج دیگران بدون ارجاع مناسب
- ◆ ارسال مجدد (Submission Duplicate): مقاله یا بخشی از آن که در نشریه دیگری (استرالیا یا خارج از کشور) چاپ شده یا در جریان داوری و چاپ باشد. لطفا مقالات خود را به آدرس ایمیل golbang@aisov.org.au ارسال نمایید.

ARTYMEL

لوگوهای که می شناسید



Follow Us
@artymel.design

0413 569 448

طراحی‌های ما فقط زیبا نیستند، بلکه دیده می‌شوند،
جلب توجه می‌کنند و مخاطب را به مشتری تبدیل می‌کنند.
با Artymel، برندان در ذهن‌ها ماندگار می‌شود.

art • design • motion

گلشن

نظرسنجی

از همراهی ارزشمند شما سپاسگزاریم

برای ورود به فرم، لطفاً کد کیوآر را
اسکن کنید یا روی لینک زیر کلیک
نمایید:

از این که وقت گرانبه‌ای خود را به مطالعه‌ی این فصلنامه
اختصاص داده‌اید، صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

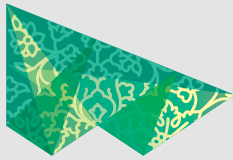
بهبود کیفیت محتوا و جذابیت فصلنامه از نگاه شما، مخاطب
آگاه و همراه، برای ما بسیار با اهمیت است. به همین منظور،
از شما دعوت می‌کنیم تا با پاسخ به چهار پرسش کوتاه، ما را
در مسیر ارتقای هرچه بیشتر آن یاری کنید.

پاسخ‌گویی تنها حدود دو دقیقه زمان خواهد برد.
پیشاپیش از مشارکت دلگرم‌کننده‌ی شما سپاسگزاریم.





Official Quarterly Magazine of
The Iranian Society of Victoria
ISSN: 2981-9474
Issue 205 - December 2025



AISOV

Australian Iranian
Society of Victoria
کانون ایرانیان ویکتوریا

Editorial Board:

Afroz Rahimian,

Esmat Amirahmadi, Houra Zare,

Dr Sonia Sadeghian Esfahani,

Dr Mitra Zarrati, Dr Farhad Maleki

Siamak Davoudinezhad

Coordinator: Esmat Amirahmadi

Graphic Designer: Iman Barabadi

@Artymel.design

Address:

- 📍 Level 1, 79 Mahoney's Road
Forest Hill VIC 3131
- ☎ 0468 460 698
- ✉ info@aisov.org.au
- 🌐 www.aisov.org.au

Australian Iranian Society of Victoria (AISOV) is a non-profit, non-political and non-religious organisation which started its work in 1990 and was officially established in 1991.

All efforts, funding, and resources at AISOV are dedicated to advancing four key missions:

- ◆ **Build solidarity and enhance mutual respect within the Iranian community to celebrate our diversity.**
- ◆ **Identify and support the needs of diverse groups of Iranians through building partnership and referral networks.**
- ◆ **Connect the community and build rapport with broader society by promotion of shared culture and language.**
- ◆ **Network within our community and beyond to promote basic human rights and preserve equality, dignity, and respect for all humankind.**

The AISOV management team consists of committed volunteers dedicated to advancing the well-being of the Iranian community. Through the provision of meaningful and accessible services, AISOV strives to make a lasting and positive contribution to the community it serves.

The contents in this publication have been prepared by our wonderful volunteers for general information and interest only. The publication is made available for the benefit of the Iranian community in Victoria supported by the Australian Iranian Society of Victoria (AISOV).

AISOV reserves the right to make changes without notice.

Whilst AISOV, the community members and volunteers (jointly and severally referred to as Providers) involved in preparation of Golbang, have used their reasonable efforts to ensure that contents are accurate and current at the time of publication, the Providers do not in any way warrant the accuracy, content, completeness or suitability of the information for any purpose.

Furthermore, the contents do not necessarily represent the views of AISOV or its members or management committee. The Providers will not accept liability for any claims or damages whatsoever resulting from use or reliance on the contents.



Golbang

Official Quarterly Magazine of the Australian
Iranian Society of Victoria (AISOV)
Issue 205 - December 2025 - ISSN: 2981-9474



AISOV
Australian Iranian
Society of Victoria
کانون ایرانیان ویکتوریا